



توراه اور • پاراشاها برآشית • مامار 5

ולהבין בתוס' ביאור ענין וייצר ה' אלקים את...

برای فهم بیشتر و با توضیحی افزون‌تر دربارهٔ
موضوع «و نام چهارحرفی (ה', Havayah) و
نام אלקים (אלקים, Elokim) صورت داد...»



مرتبه‌هایی که در زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) در کنار
یکدیگرند، با هم پدید می‌آیند؛ همچون صفاتِ عاطفی (מדות, middos) که از قوای
عقلانی (מוחין, mochin) پدید می‌آیند، و بدنِ حیوان یا فرشته که همراه با نفسش
پدیدار می‌شود. مرتبهٔ بی‌جان، یعنی فرمانروایی (מלכות, Malchus) و «حروف»،
بیرون از این زنجیره قرار دارد و مستقیماً به واسطهٔ حکمت (חכמה, Chochmah)
بنیاد می‌یابد؛ از این رو تنها والاترین نفس، یعنی نفسِ آدمِ نخستین (אדם הראשון)
که ریشه در حکمتِ برین دارد، می‌توانست در بدنی از خاکِ بی‌جان جای گیرد و آن را
دگرگون سازد.

تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدرِ ربّه، ربِ لیوی ییتسخاک

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/5

مقصود اصلی

مرتبه‌هایی که در زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) در کنار یکدیگرند، با هم پدید می‌آیند؛ همچون صفاتِ عاطفی (מדות, middos) که از قوای عقلانی (מוחין, mochin) پدید می‌آیند، و بدنِ حیوان یا فرشته که همراه با نفسش پدیدار می‌شود. مرتبهٔ بی‌جان، یعنی فرمانروایی (מלכות, Malchus) و «حروف»، بیرون از این زنجیره قرار دارد و مستقیماً به واسطهٔ حکمت (חכמה, Chochmah) بنیاد می‌یابد؛ از این رو تنها والاترین نفس، یعنی نفسِ آدمِ نخستین (אדם הראשון) که ریشه در حکمتِ برین دارد، می‌توانست در بدنی از خاکِ بی‌جان جای گیرد و آن را دگرگون سازد.

در هر بخش: متن عبری، سپس ترجمه، و پس از آن توضیحی کوتاه زیر خطی طلایی. شماره‌های کوچک در متن عبری، یادداشت‌های پایان متن هستند.

خلاصهٔ مامار

amarā برای توضیح بیشتر این پرسش که چرا بدنِ انسان در آغاز خاکی بی‌جان بود، حال آنکه دیگر آفریدگان با بدن و نفسِ توأمان پدید آمدند، چهار مرتبه را در عوالمِ معنوی نیز می‌یابد. در نفس، حروف بی‌جان‌اند، صفاتِ عاطفی گیاه‌وار و قوای عقلانی «زنده»‌اند؛ در مرتبهٔ بالا نیز فرمانروایی، صفاتِ عاطفی (ז"א / זעיר אנוכי, Z'eir Anpin) و مادرِ برین، ایما (אימא, Imma) قرار دارند. صفات در قوای عقلانی شکل می‌گیرند و از آن تغذیه می‌کنند؛ از این رو مرتبهٔ گیاهی و حیوانی در کنار هم‌اند و با هم پدید می‌آیند؛ اما حروف پیوندی با قوای عقلانی ندارند. فرشتگان و نفوس نیز همین الگو را نشان می‌دهند. هدفِ آفرینش، خودنفی‌گری (ביטול, bittul) «وجودِ خودنمایان» (יש, yesh) است. بدن‌های فرشتگان معنوی‌اند و همراه با نفوسشان از فرمانرواییِ عالمِ صدور (אצילות, Atzilus) پدید آمدند؛ اما نفوسشان که از بُعدِ بیرونی (חיצוניות, chitzoniyus) ظرف‌ها سرچشمه می‌گیرد، نمی‌توانستند بدنی جسمانی را دگرگون سازند؛ نفسِ الهی (נפש האלקית, Nefesh Elohis) که از بُعدِ درونی (פנימיות, pnimiyus) سرچشمه می‌گیرد، می‌تواند. از حکمت به پایین، همه‌چیز به واسطهٔ علت و معلول جریان می‌یابد، جز فرمانروایی: حروف از جوهرِ نفس سرچشمه می‌گیرند؛ بنابراین همان حروف می‌توانند مفاهیم متضاد را بیان کنند. از این رو گفته شده است: «او زمین را به واسطهٔ حکمت بنیاد نهاد.» نفسِ آدم، حکمتِ برین است، یعنی نام Av (שם ע"ב, Av)؛ پس بدنش حقیقتاً بی‌جان بود و دو نام، حکمت را با فرمانروایی پیوند می‌دهند.

طرح کلی

3-11

1 چهار مرتبه در نفس و در عوالم بالا

پرسش دوباره طرح می‌شود: چرا بدنِ انسان در آغاز خاکی بی‌جان بود؟ چهار مرتبه در عوالمِ معنوی نیز وجود دارند: در نفس، حروف بی‌جان‌اند و صفاتِ عاطفی گیاه‌وارند و از قوای عقلانی رشد می‌کنند؛ در مرتبهٔ بالا، فرمانروایی، Z'eir Anpin و ایما برین قرار دارند که «زنده» خوانده می‌شود.

5-4

2 مراتبِ نزدیک و دور

صفات در قوای عقلانی شکل می‌گیرند و از آن تغذیه می‌کنند؛ از این رو مرتبهٔ گیاهی و حیوانی در کنار هم‌اند و بدن و نفس حیوان با هم پدید می‌آیند. حروف پیوندی با قوای عقلانی ندارند؛ تنها والاترین مرتبه می‌تواند به پست‌ترین مرتبه فرود آید، و از این رو نفسِ ناطقه پس از آن در بدنی بی‌جان جای گرفت.

فرشتگان نیز بدن و نفس دارند، اما بدن‌هایشان از آتش و هوای معنوی است. هدف عوالم، خودنهی گری «وجود خودنمایان» است: در عالم آشفته‌گی (תהו, Tohu) ظرف‌ها نتوانستند نورها را در خود جای دهند؛ عالم اصلاح (תיקון, Tikun) پیوند آن‌هاست.

نفوس فرشتگان از بُعد بیرونی ظرف‌ها سرچشمه می‌گیرند؛ نفس الهی که از بُعد درونی سرچشمه می‌گیرد، می‌تواند بدنی جسمانی را خاضع سازد، همان‌گونه که آتشی بزرگ تا دورتر می‌تابد. بدن‌ها و نفوس فرشتگان با هم از فرمانروایی عالم صدور پدید آمدند: «زمین موجودات زنده را پدید آورد.»

پدران، مرکبه، در ایمای برین شکل گرفتند و از آن تغذیه کردند؛ این زنجیره‌ای از علت و معلول است. فرمانروایی، یعنی حروف، به این شیوه جریان نمی‌یابد؛ حروف از جوهر نفس سرچشمه می‌گیرند، از این‌رو همان حروف می‌توانند مفاهیمی متضاد را بیان کنند. سرچشمه آن‌ها والاتر است و فرمانروایی تنها از آنجا می‌تواند پدید آید.

صفات، صورت متمایزشان را از تیوناه (תבונה, Tevunah) می‌گیرند، همان‌گونه که اندام‌های کودک در رحم مادر شکل می‌گیرند؛ فرمانروایی را خود حکمت بنیاد می‌نهد: «آبا دختر را بنیاد نهاد.» دو مرتبه از حکمت و دو گونه «آدم» وجود دارد: آدم نخستین حکمت برین، یعنی نام Av است؛ از این‌رو بدنش بی‌جان بود و دو نام، حکمت را با فرمانروایی پیوند می‌دهند.

نفسی بلندمرتبه می‌تواند دقیقاً در بدنی پست جای گیرد، هم در عوالم بالا و هم در این عالم؛ حیوانات و فرشتگان با بدن و نفس توأمان پدید می‌آیند، حال آنکه نفسی ناطقه پس از آن وارد بدنی بی‌جان می‌شود. در عالم صدور نیز چنین است: «او آسمان‌ها را به واسطه فهم تفصیلی بنیاد نهاد»، حال آنکه زمین بر حکمت برین بنیاد یافته است.

مفاهیم کلیدی

حروف، صفات عاطفی، عقل اوتיות، مדות، شکل

چهار مرتبه درون نفس: حروف بی‌جان‌اند و رشدی ندارند؛ صفات عاطفی گیاه‌وارند و از برانگیختگی‌ای اندک به شعله‌ای عظیم رشد می‌کنند؛ قوای عقلانی که آن‌ها را پدید می‌آورد «زنده» است. در مرتبه بالا، این‌ها عبارت‌اند از فرمانروایی، Z'eir Anpin و ایمای برین.

شکل‌گیری و تغذیه עבור، ینیکه

صفات عاطفی نخست در قوای عقلانی پنهان‌اند، همچون جنینی در رحم؛ پس از آن‌که پدیدار شدند نیز همچنان حیاتشان را از آن می‌گیرند، مانند کودکی شیرخوار. از همین‌رو مرتبه گیاهی و حیوانی در کنار هم‌اند.

زنجیره علت و معلول השתלשלות עו"ע

جریان تدریجی از حکمت به فهم، شناخت و صفات عاطفی؛ هر مرتبه از مرتبه بالاتر از خود سرچشمه می‌گیرد. فرمانروایی و حروف به این شیوه جریان نمی‌یابند؛ پیدایش آن‌ها از مرتبه‌ای والاتر است.

خودنهی گری «وجود خودنمایان» ביטול היש

هدف فرودآمدن عوالم و جوهر عالم اصلاح: پیوند نورها، مرتبه «نیستی»، با ظرف‌ها، مرتبه «وجود خودنمایان»؛ ظرف‌ها در عالم آشفته‌گی نتوانستند نورها را در خود جای دهند.

بُعد بیرونی و درونی ظرف‌ها חיצוניות הכלים, פנימיות הכלים

نفوس فرشتگان از بُعد بیرونی سرچشمه می‌گیرند و نمی‌توانستند بدنی جسمانی را دگرگون سازند؛ نفس الهی از بُعد درونی سرچشمه می‌گیرد، از سرچشمه آن‌ها والاتر است و می‌تواند حتی بدنی جسمانی را دگرگون کند.

«آبا دختر را بنیاد نهاد» אבא יסד ברתא

فرمانروایی مستقیماً به واسطه حکمت بنیاد می‌یابد: همان‌گونه که حکمت، بی‌آن‌که زنجیره‌ای از نزول را طی کند، از نیستی به هستی می‌آید، فرمانروایی، یعنی حروف، نیز از مرتبه «نیستی» سرچشمه می‌گیرد.

نام Mah و نام Av שם מ"ה, שם ע"ב

دو گونه «آدم» وجود دارد: Tiferes، بیان کلی Z'eir Anpin، نام Mah (שם מ"ה, Mah) است؛ آدم نخستین حکمت برین، آغاز خود عالم صدور و نام Av است؛ از این‌رو بدنش حقیقتاً بی‌جان بود.

چهار مرتبه در نفس و در عوالم بالا

1 ולהבין בתוס' [בתוספת] ביאור¹ ענין וייצר ה' אלקים את האדם עפר מן האדמה² ואח"כ ויפח באפיו נ"ח

برای فهم موضوع «و ה' אלקים، انسان را از خاک زمین صورت داد» با توضیحی افزون‌تر، و سپس «در سوراخ‌های بینی او نفیس حیات دمید»:

این مامار توضیحی دوم و ژرف‌تر دربارهٔ آیهٔ آفرینش انسان را آغاز می‌کند: نخست «او را ... از خاک زمین صورت داد» و تنها پس از آن «در سوراخ‌های بینی اش نفیس حیات دمید».

שהגוף שלו בתחלתו הי' [היה] בלא נפש עדיין והי' [והיה] דומם מעפר גשמי ואח"כ נתלבשה בו נפש חיה המדברת כו' משא"כ בשאר כל הנברא' [הנבראים] צומח וחי שגופם ונפשם יצאו כא' [כאחד] מן הארץ כו'.

که پیکر او در آغاز هنوز روحی نداشت و از خاک مادی، بی‌جان بود؛ و پس از آن روح زنده و گویا در آن جای گرفت و غیره؛ حال آنکه در دیگر آفریدگان، یعنی نباتات و حیوانات، پیکر و روحشان با هم از زمین پدید آمدند و غیره.

پیکر انسان در آغاز خاکی بی‌جان و بی‌روح بود و تنها پس از آن روح دریافت کرد؛ حال آنکه گیاهان و حیوانات پیکر و روح را با هم از زمین دریافت کردند.

הענין יובן בהקדם דכמו שיש בגשמיות ד' בחי' דצח"מ [דומם צומח חי מדבר]. ככה גם ברוחניות [ברוחניות] נמצאים ד' בחי' אלו.

این موضوع با بیان مقدمه‌ای روشن می‌شود: همان‌گونه که در عالم مادی چهار مرتبه وجود دارد—جماد، نبات، حیوان و انسانِ ناطق—در عالم روحانی نیز این چهار مرتبه یافت می‌شوند.

مقدمهٔ اصلی این است که چهار مرتبهٔ عالم مادی—جماد، نبات، حیوان و انسانِ ناطق—در عالم روحانی نیز نظیرهایی دارند؛ هم در نفیس انسان و هم در مراتب تجلی (ספירות, Sefiros) بالاتر.

2 ועד"מ בנפש האותיות הן בחי' דומם³ שאין בהם גידול כו' והמדות הן בחי' צומח שהרי התפעלות

קטנה בתחלתה מתלהבת אח"כ עד שתהי' [שתהיה] שלהבת עזה כו'

به عنوان نمونه، در نفس: حروف در مرتبة جماد (دومم، domem) هستند و هیچ رشدی ندارند و غیره؛ و صفات عاطفی (مדות، middos) در مرتبة نباتی (צומח، tzomeach) قرار دارند، زیرا برانگیختگی عاطفی که در آغاز اندک است، سپس شعله‌ور می‌شود تا به شعله‌ای نیرومند بدل گردد و غیره.

در نفس انسان، حروف اندیشه و گفتار در زمره دומم هستند: واژه همان چیزی می‌ماند که هست و رشد نمی‌کند. مدות از سنخ צומח هستند: احساس با جنبشی اندک آغاز می‌شود و رشد می‌کند تا به شعله‌ای نیرومند بدل شود.

וצמיחותם הוא מן השכל כמו שהצומח גשמי הי' [היה] בתחלה צפון ושמון בארץ ואח"כ יוצא וצומח לחוץ כן המדות הם כלולים ונעלמים תחלה בשכל המולידם ואח"כ יוצאים בגילוי.

و رشد آنها از عقل است: همان‌گونه که گیاه جسمانی در آغاز در زمین پنهان و مدفون بود و سپس بیرون می‌آید و سر از خاک برمی‌آورد، به همین ترتیب، مدות نخست در عقلی که آنها را پدید می‌آورد، دربرگرفته و پنهان‌اند و سپس آشکار می‌شوند. عواطف از عقل رشد می‌کنند، همان‌گونه که گیاه از زمین می‌روید: نخست درون ایده‌ای که آنها را پدید می‌آورد پنهان‌اند و سپس آشکار می‌شوند.

3 ובנמשל למעלה המל' נק' דומם וז"א דאצי' שהוא המדות נק' צומח

و در نظیر آن در بالا: فرمانروایی (ملכות، Malchus) «جماد» نامیده می‌شود، و صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין، Z'eir Anpin) در عالم صدور (אצילות، Atzilus)، که همان صفات عاطفی است، «نباتی» نامیده می‌شود، این تمثیل در بالا بر مراتب تجلی (ספירות، Sefiros) عالم صدور (אצילות) تطبیق می‌شود: فرمانروایی (ملכות) «گفتار الهی» است و «جماد» نامیده می‌شود، و صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין)، یعنی عواطف الهی، «نباتی» نامیده می‌شوند.

והיינו שצומח מן אימא עלאה שהוא בחי' השכל העליון שנק' בשם חי כמ"ש בחוה כי היא הית' [היתה] אם כל חי⁴ וגם החכ' [החכמה] נק' חיה כדכתיב והחכמה תחי' ⁵ כו'.

یعنی از مادر برین (אימא עלאה، Imma Ila'ah) می‌روید؛ او مرتبة عقلی برین است که «زنده» (חי، chai) نامیده می‌شود، چنان‌که درباره حوّا (חוה) آمده است: «زیرا او مادر همه زندگان (חי) بود»؛ و حکمت (חכמה، Chochmah) نیز «زنده» نامیده می‌شود، چنان‌که نوشته شده است: «و حکمت حیات می‌بخشد...» و الی آخر.

صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין) از مادر برین (אימא עלאה)، یعنی فهم (בינה، Binah)، عقل برین، «می‌رویند»؛ عقلی که به اقتباس از حوّا، «مادر همه زندگان» (برאשית 3:20)، «زنده» (חי) نامیده می‌شود. خود نام حوّا نیز بازتابی از حی است. حکمت (חכמה) نیز «زنده» نامیده می‌شود، زیرا «حکمت حیات می‌بخشد» (קהלת 7:12).

مراتبِ نزدیک و دور

4 و نמצא שהצומח עם החי הם סמוכים זל"ז [זה לזה] בלי דילוג והפסק מדריגה אחרת אמצעית ביניהן והם

מתאחדים ומתדבקים זב"ז [זה בזה] מצד עצמותן⁶ ומהותן

پس روشن می‌شود که جنبهٔ رویشی و جنبهٔ حیوانی به یکدیگر پیوسته‌اند؛ میان آن‌ها هیچ جهش یا فاصله‌ای نیست که مرتبه‌ای دیگر در میانشان حائل شود، و به واسطهٔ ذات و ماهیت خود با یکدیگر یگانه و پیوسته‌اند.

پس جنبهٔ رویشی (عواطف) و جنبهٔ حیوانی (عقل) بی‌هیچ واسطه‌ای در کنار یکدیگرند و به واسطهٔ سرشت خود با هم پیوند دارند.

שהרי מתחלה הי' [היה] הצומח כלול בחי ממש שהוא ענין העלם המדות בבחי' עבור בהשכל כולד

הצפון בבטן האם دרך אמו⁷ הוא ממש

زیرا در آغاز، جنبهٔ رویشی در خود جنبهٔ حیوانی نهفته بود؛ این همان نهفتگی صفات عاطفی (مדות، middos) در عقل، به صورت جنینی است؛ مانند جنینی که در رحم مادر پنهان است و به معنای واقعی کلمه «رانِ مادرِ خویش» به شمار می‌آید؛

در آغاز، عواطف پنهان در عقل وجود دارند؛ این مرحله «جنینی» نامیده می‌شود، مانند جنینی در رحم که تلمود آن را بخشی از بدن مادر می‌شمارد («جنین، رانِ مادرِ خویش است»).

וגם אח"כ ביציאתן לחוץ עדיין צריכין לאמן הם בימי יניקה שהשכל מחי' ומגדל את המדות והוא

קיומן ממש.

و حتی پس از آن، هنگامی که به بیرون می‌آیند، در روزهای شیرخوارگی هنوز به مادرشان نیاز دارند: عقل به صفات عاطفی جان می‌بخشد و آن‌ها را می‌پروراند، و خود مایهٔ بقای آن‌هاست.

حتی پس از آن که عواطف پدیدار می‌شوند، همچنان به عقل وابسته‌اند، همان‌گونه که شیرخوار به شیرخوردن وابسته است: عقل پیوسته به آن‌ها نیرو می‌رساند و پرورششان می‌دهد.

5 ולכן גם בגשמיו' [בגשמיות] במאמר תוצא הארץ נפש חיה⁸ יצא גוף הבהמות ונפשותן שהם בחי' צומח

וחי כאחד מן הארץ על היותן סמוכים ומתאחדים זע"ז [זה עם זה / זה על זה] גם בשרשן כנ"ל.

بنابراین، در عالم جسمانی نیز، به واسطهٔ گفتار «زمین جانداران را پدید آورد»، بدن‌های حیوانات و جان‌هایشان، که به ترتیب از مراتب نباتی و حیوانی‌اند، با هم از زمین پدید آمدند؛ زیرا همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، در ریشهٔ خود نیز به یکدیگر نزدیک و با هم متحدند.

ازاین‌رو، هنگام «زمین جانداران را پدید آورد»، بدن‌های حیوانات، که نباتی‌اند، و جان‌هایشان، که حیوانی‌اند، با هم پدید آمدند؛ زیرا حتی در ریشهٔ خود متحدند.

משא"כ הדומם רחוק מן החי ביותר שהרי בחי' צומח מפסיק ביניהן. ועד"מ האותיות אין להם שייכות כלל להשכל שאינן כמו המדות שהם בערך וסוג קרוב עם השכל.

אما جماد از حیوان بسیار دور است، زیرا مرتبة نباتی میان آن دو فاصله می‌اندازد. برای نمونه، حروف هیچ ارتباطی با عقل ندارند؛ زیرا مانند صفات عاطفی نیستند که از نوع و مقوله‌ای نزدیک به عقل باشند.

اما جماد از حیوان دور است و نبات میان آن دو قرار دارد. در نفس، حروف هیچ نسبتی با عقل ندارند، درحالی‌که عواطف از سنخی نزدیک به آن‌اند.

וראוי הוא שיהי' [שהיה] התהוות ההתפעלות מן השכל כמ"ש לפי שכלו יהולל איש.⁹ וע"כ הם סמוכים זל"ז [זה לזה] כנ"ל.

و شایسته است که هیجان عاطفی از عقل پدید آید، چنان‌که نوشته شده است: «مرد برحسب عقلش ستوده می‌شود.» ازاین‌رو، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، این دو به یکدیگر نزدیک‌اند.

احساسات به‌طور طبیعی از فهم پدید می‌آیند - «مرد برحسب عقلش ستوده می‌شود» (امثال ۸:۱۲) - پس عقل و عاطفه به یکدیگر نزدیک‌اند.

אבל האותיות הן הגה ממהות וסוג אחר כי הם גשמיים ממש ואין להם שייכות כלל למהות השכל (ועמש"ל [ועיין מה שכתוב לעיל] בד"ה בכ"ה בכסליו¹⁰ גבי נרות וקטורת)

اما حروف از ماهیت و مقوله‌ای دیگرند، زیرا به‌راستی جسمانی‌اند و هیچ ارتباطی با ماهیت عقل ندارند (و آنچه را پیش‌تر در مامار آغازشونده با «در بیست‌وپنجم کیسلو» درباره‌ی چراغ‌ها و بخور نوشته شده است، بنگرید).

اما حروف سراسر از مرتبه‌ای دیگرند؛ آلت‌ر ربه برای توضیح بیشتر به مامار حنوکایی خود درباره‌ی چراغ‌ها و بخور ارجاع می‌دهد.

ולכן גוף האדם שהי' [שהיה] דומם וגולם נתהווה כמו שהוא בלא נפש החיונית כי לא יכלה נפש החיה כלל להתחבר עמו.¹¹

بنابراین، بدن انسان که جماد و توده‌ای شکل‌نیافته بود، همان‌گونه که بود، بی‌آنکه نفس حیوانی همراهش باشد پدید آمد؛ زیرا نفس حیوانی اصلاً نمی‌توانست با آن پیوند یابد.

ازاین‌رو، بدن انسان که جماد بود، بی‌هیچ حیاتی پدید آمد؛ حتی نفس حیوانی نیز نمی‌توانست با آن پیوند یابد.

אמנם אח"כ נתלבשה בו נפש האדם עם היותה בחי' מדבר שהוא למעלה בערך גם מן החי.¹²

بااین‌حال، پس از آن، نفس انسان در آن جای گرفت، هرچند از مرتبة ناطق است که از حیث مرتبه حتی از حیوان نیز بالاتر است.

بااین‌همه، نفس انسانی که حتی از نفس حیوانی نیز برتر است، پس از آن وارد بدن شد - و این شگفت‌آور به‌نظر می‌رسد.

אבל הענין כי היא הנותנת שבבחי' שלמטה מטה ביותר א"א שירד וישפיל א"ע [את עצמו] שם רק מי שהוא גבוה בערך ביותר

اما مطلب این است که دقیقاً همین امر سبب می‌شود که به پایین‌ترین مراتب، جز آن‌که از حیث مرتبه بسیار بلندپایه باشد، هیچ‌کس نتواند فرود آید و خود را تا آنجا پایین آورد.

اصل این است: فقط چیزی که از بلندترین مرتبه باشد می‌تواند به پایین‌ترین جایگاه فرود آید.

ولכן בגוף שמבחי' דומם היותר נמוך במדרגה נתלבשה נפש המדברת הגבוה מכולן משא"כ בצומח שלא נתלבשה בו רק נפש החיה.

بنابراین، در بدن متعلق به مرتبه جماد، که پایین‌ترین مرتبه است، نفس ناطقه، که از همه آن‌ها بالاتر است، جای گرفت؛ درحالی‌که در نبات فقط نفس حیوانی جای گرفت.

پس بدن پایین‌ترین مرتبه عالی‌ترین نفس را دریافت کرد، درحالی‌که بدن نباتی فقط نفس حیوانی را دریافت کرد.

רק שאותה הנפש יצאה כאחד עם הגוף אבל בדומם אינו כן שלא יצאה הנפש המדברת עמו כא' [כאחד] רק שאח"כ נתלבשה בו כו':

تنها آن نفس همراه با بدن پدید آمد؛ اما در مورد جماد چنین نیست، زیرا نفس ناطقه همراه با آن پدید نیامد، بلکه پس از آن در آن ملبّس شد و الی آخر.

تفاوت این است: نفس حیوانی همراه با بدنش پدید آمد، در حالی که نفس ناطقه تنها پس از آن در بدن جماد حلول کرد.

بخش 3 • 61-8

فرشتگان و نفوس؛ هدف تیکون

6 وביאור כל זה הנה יובן ע"פ ענין ההפרש שבין מלאכים¹³ לנשמות. כי הנה המלאכים נק' בשם חיות ובהמות¹⁴ כמ"ש פני אר"י [אר"י] אל הימין¹⁵ ופני שור מהשמאל כו'.

برای روشن کردن همه این مطالب، این گفتار (مأמר) فرشتگان را با نفوس مقایسه می‌کند. فرشتگان به نام حیوانات، جانداران زنده (حיות، chayos) و بهایم (בהמות، behemos)، خوانده می‌شوند؛ چنان‌که نوشته شده است: «چهره شیر در سمت راست و چهره گاو در سمت چپ...» و غیره.

برای روشن کردن این مطالب، این گفتار (مأמר) فرشتگان را با نفوس مقایسه می‌کند. فرشتگان به نام‌های حیوانات، جانداران زنده (chayos) و بهایم (behemos)، خوانده می‌شوند؛ مانند رؤیای اراپه آسمانی حزقیال که در آن چهره شیر و گاو دیده می‌شود.

והם מורכבים ג"כ מגוף ונפש ונק' חומר וצורה¹⁶ כמו בנ"א [בני אדם]. רק שהפרש ביניהם לבנ"א [לבני אדם] הוא שגופם רוחני יותר.¹⁷

آنها نیز، همچون انسان‌ها، از بدن و روح ترکیب یافته‌اند که ماده و صورت نامیده می‌شوند؛ تنها تفاوتشان با انسان‌ها این است که بدنشان روحانی‌تر است.

فرشتگان نیز مانند انسان‌ها «بدن» و «روح» دارند—ماده و صورت—اما بدنشان روحانی‌تر است.

7 וכמ"ש הרמב"ן [הרבי משה בן נחמן]¹⁸ ע"פ עושה מלאכיו רוחות משרתיו אש לוהט¹⁹ שמרוחניות שני היסודות אלו אש ורוח²⁰ נעשה גופות המלאכים יש מהן שגויתם מבחי' רוח והוא כמו מחנה מיכאל ויש שמבחי' אש וכמו מחנה גבריאל²¹ כו'.

چنان‌که رامبان (رמב"ן) دربارهٔ آیهٔ «او فرشتگانش را بادهای می‌سازد، و خدمتگزارانش را آتشی افروخته» می‌نویسد: جسم‌های فرشتگان از جوهر معنوی این دو عنصر، آتش و هوا، ساخته شده‌اند؛ برخی جسم‌هایی از مرتبهٔ هوا دارند، مانند سپاه میخائیل (میخאל)، و برخی از مرتبهٔ آتش‌اند، مانند سپاه جبرئیل (گبریال) و جز آن.

رامبان آیهٔ «او فرشتگانش را بادهای می‌سازد، و خدمتگزارانش را آتشی افروخته» (תהלים 104:4) را چنین توضیح می‌دهد که جسم فرشتگان از جوهر معنوی دو عنصر، آتش و هوا، ساخته شده است. سپاه میخائیل از هواست و سپاه جبرئیل از آتش. ואֵז רוח (ruach) همچنین به معنای «باد» است.

משא"כ גופות בנ"א [בני אדם] הם מגשמיות ד' יסודות ארמ"ע [אש רוח מים עפר].

اما جسم‌های انسان‌ها از مادیت چهار عنصر ساخته شده‌اند: آتش، هوا، آب و خاک.

برخلاف آن، جسم‌های انسان‌ها از هر چهار عنصر مادی ساخته شده‌اند: آتش، هوا، آب و خاک.

אמנם הסבה לזה למא נתנו להם גופות רוחניות מלישראל. כי הנה תכלית הירידה²² בהשתלשלות העולמות הוא רק כמ"ש ולכבודי בראתיו²³ כו' דהיינו להיות ביטול היש

اما علت این امر – اینکه چرا به فرشتگان جسم‌هایی معنوی‌تر از جسم‌های اسرائیل داده شد – این است که هدف نزول در زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) تنها همان است که نوشته شده: «و برای جلال خود او را آفریدم...»؛ یعنی آنکه «چیز» (יש, yesh؛ وجود جداگانه و متعین) خودنهی‌گری (بیטול, bittul) پیشه کند.

پس چرا فرشتگان جسم‌هایی معنوی‌تر از قوم یهود، که مرتبه‌ای بالاتر دارند، دریافت کردند؟ پاسخ از هدف کل نزولِ عوالم آغاز می‌شود: «برای جلال خود او را آفریدم» (ישעיהو 43:7)؛ یعنی آن «چیز» (yesh)، یعنی احساس آفرینش به‌عنوان وجودی جداگانه، در برابرِ ه' خودنهی‌گری کند.

וזהו עיקר ענין עולם התקון יחוד והתכללות אורות וכלים שהן דרך כלל בחי' אין ויש

و این، نکته اساسی عالم اصلاح (תיקון, Tikkun) است: یگانگی و درهم آمیختگی نورها و ظرفها (اوروت وכלים, Oros v'Keilim)؛ اینها به طور کلی مرتبه های «هیچ» (ayin, אין) و «چیز» (yesh, יש) هستند.

این، هسته اصلی عالم اصلاح (Tikkun) است: نورها و ظرفها با یکدیگر یگانه و درهم آمیخته می شوند. نورها «هیچ» (ayin) هستند، یعنی خود را در برابر ه' فرو می نهند؛ و ظرفها «چیز» (yesh) هستند، یعنی وجودی معین و متمایزند.

כי האורות הן בחי' הארו' והמשכות א"ס ב"ה והן בבחי' ביטול והכלים הם בחי' יש חו"ב [חכמה وבינה]

חו"ג [חסד וגבורה]. 24, 25

زیرا نورها مرتبه تابشها و فیضانهای بی نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، که مبارک است، هستند و در حالت خودنفی گری اند؛ و ظرفها مرتبه «چیز» هستند: حکمت (Chochmah, חכמה) و فهم (Binah, בינה)، مهر (Chesed, חסד) و قید و سخت گیری (Gevurah, גבורה).

نورها پرتوهایی از بی نهایت مطلق اند و سراسر خود را فرو نهاده اند؛ و ظرفها مراتب تجلی (Sefiros, ספירות) هستند که هر یک تعیین ویژه خود را دارد: حکمت و فهم، مهر و قید و سخت گیری.

8 והנה בעולם התהו לא יכלו הכלים להכיל את האורות דהיינו שלא הי' [היה] היש נכלל ובטל אל האין

اکنون، در عالم آشوب (תהו, Tohu)، ظرفها نمی توانستند نورها را در خود جای دهند؛ یعنی «چیز» در «هیچ» مندرج نمی شد و در آن خودنفی گری (ביטול, bittul) نمی کرد.

در عالم آشوب (תהו)، مرحله ای پیش از عالم منظم، ظرفها نمی توانستند نورها را در خود جای دهند: «چیز» در «هیچ» ادغام نمی شد.

ועיקר ענין התקון הוא להיות התכללות האורות עם הכלים וכן להיות התכללות חו"ג [חסד וגבורה]
שמאלא וימינא כו' שהוא בחי' ביטול היש לאין.

و اصل مفهوم اصلاح (תקון, Tikkun) آن است که نورها و ظرفها (اوروت وכלים, Oros v'Keilim) با یکدیگر درآمیزند؛ و نیز مهر (חסד, Chesed) و قید و سخت گیری (גבורה, Gevurah)، چپ و راست و جز اینها، با یکدیگر درآمیزند؛ و این همان **بیטול** «چیز» به «هیچ» است.

مقصود از **תקון** آن است که نورها و ظرفها با یکدیگر درآمیزند و صفات متضاد مهر و قید و سخت گیری یکدیگر را دربرگیرند؛ این یکپارچگی خود همان **بیטול** «چیز» به «هیچ» است.

تنها نفیس الهی می تواند بدن جسمانی را دگرگون کند

9 וגם המלאכים יש להם עבודה זו לבטל היש והגוף שלהם ע"י נשמתם שהיא מבחי' אין ונלקחה מחיצוניות הכלים.

فرشتگان نیز این خدمت را دارند: هستی مستقل خود، یعنی بدنشان، را به واسطه روحشان به حالت خودنفی گری (بیטול, bittul) درآورند؛ روحشان از مرتبه «نیستی» است و از بُعد بیرونی (חיצוניות, chitzoniyus) ظرفها گرفته شده است.

فرشتگان نیز با به حالت خودنفی گری درآوردن هستی مستقل خود، یعنی بدنشان، خدمت می کنند؛ اما روحشان از بُعد بیرونی ظرفها سرچشمه می گیرد.

וכן גם ישראל צריכין לבטל היש שהוא הגוף הגשמי שלהם ע"י נפשם האלקית שהיא בעצמה א"צ צריך / אינו צריך] תקון לפי שהיא בבחי' אין כו' ונלקח' מפנימי' [מפנימיות / מפנימית] הכלי' [הכלים] הגבה למעל' [למעלה / למעלה] ממקור מחצב נפשות המלאכים.

به همین ترتیب، اسرائیل نیز باید هستی مستقل خود، یعنی بدن جسمانی اش، را به واسطه نفیس الهی (נפש האלקית, Nefesh Elohis) به حالت خودنفی گری درآورد؛ نفسی که خود به هیچ اصلاحی نیاز ندارد، زیرا در مرتبه «نیستی» است و غیره، و از بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) ظرفها گرفته شده است؛ بُعدی که بسیار بالاتر از سرچشمه ای است که نفوس فرشتگان از آن تراشیده شده اند.

بنی اسرائیل نیز باید بدن جسمانی خود را به واسطه نفیس الهی به حالت خودنفی گری درآورند؛ خود این نفس به اصلاح نیاز ندارد و از بُعد درونی ظرفها سرچشمه می گیرد، سرچشمه ای که از سرچشمه نفوس فرشتگان بالاتر است.

10 ולכך יכולה להפוך ולכבש²⁶ גם גוף גשמי משא"כ המלאכי' [המלאכים] אילו היה להם גוף גשמי לא היו יכולים להפכו כלל ולהיות בביטול היש אלא היו נופלים ממדרגתם לגמרי.

ازاین رو می تواند حتی جسمی مادی را دگرگون و رام کند؛ اما فرشتگان، اگر جسمی مادی داشتند، به هیچ وجه نمی توانستند آن را دگرگون کنند و به خودنفی گری (بیטול, bittul) وجود مستقل (היש, yesh) برسانند؛ بلکه یکسره از مرتبه خود فرو می افتادند.

چون نفیس الهی (נפש האלקית, Nefesh Elohis) ریشه ای چنان بلند دارد، می تواند حتی جسمی مادی و زمخت را دگرگون کند و بر آن چیره شود. فرشته ای که در جسمی مادی قرار گیرد، نمی تواند آن را پالایش کند؛ بلکه صرفاً از مرتبه خود به پایین کشیده می شود.

רק נשמות האדם דוקא מצד מעלת נשמתם עלו במחשב' [במחשבה / במחשבת] ²⁷ כו' יכולים להפוך גם גוף גשמי.

تنها نفوس انسان، به طور خاص، به واسطه والای نفسشان – که «در اندیشه ه'» برآمدند، و الی آخر – می توانند حتی جسمی مادی را دگرگون کنند.

تنها نفوس انسانی که پیش از آفرینش «در اندیشه ه'» برآمدند (براشیت رבה 1:4)، قدرت دگرگون ساختن ماده جسمانی را دارند.

11 וכמשל מדורת אש גדולה שמאירה למרחוק יותר מקטנה כו'. ונמצא מובן עכ"פ [על כל פנים] שגוף ונפש של המלאכים הן קרובים בערך זל"ז [זה לזה] ונתהוו כאחד ממש ממקורם היא בחי' מל' דאצי' שהיא אם כל חי ²⁸ דבי"ע

مانند مثال آتشی بزرگ است که روشنایی اش دورتر از روشنایی آتشی کوچک می رسد و مانند آن. در هر صورت، روشن می شود که بدن و جان فرشتگان از حیث مرتبه به یکدیگر نزدیک اند و حقیقتاً یک جا از سرچشمه شان پدید آمده اند؛ سرچشمه ای که مرتبه فرمانروایی (ملכות، Malchus) در عالم صدور (אצילות، Atzilus) است، «مادر همه حیات (חי، chai)» در [عوالم] عالم آفرینش (بریا، Beriah)، عالم صورت بخشی (יצירה، Yetzirah) و عالم عمل (عשיה، Asiyah).

همان گونه که آتشی بزرگ دورتر را روشن می کند، جانی بزرگتر نیز به سطوح پایین تری می رسد. بدن ها و جان های فرشتگان، از آن جا که از حیث مرتبه به یکدیگر نزدیک اند، یک جا از سرچشمه شان، فرمانروایی عالم صدور، پدید آمده اند؛ سرچشمه ای که «مادر همه حیات» در سه عالم فرودین آفرینش، صورت بخشی و عمل است.

שע"ז נאמר תוצא הארץ נפש חיה ²⁹ פי' ארץ העליונה שהיא המל' תוצא נפש כל חיה הם המלאכים שנק' חיות ויצאו ביחד גופם עם נשמתם

در این باره گفته شده است: «زمین، موجودات زنده (נפש حיה، nefesh chayah) پدید آورد»؛ یعنی زمین برین، که فرمانروایی است، جان هر موجود زنده را پدید آورد؛ این ها فرشتگان اند که موجودات زنده (حיות، chayos) نامیده می شوند؛ و بدن هایشان همراه با جان هایشان پدید آمد،

در این سطح، عبارت «زمین، موجودات زنده (nefesh chayah) پدید آورد» چنین فهمیده می شود: «زمین برین»، یعنی فرمانروایی، فرشتگان را پدید می آورد؛ آنان به نام موجودات زنده رؤیای حزقیال، موجودات زنده نامیده می شوند و بدن و جان شان با هم پدید می آیند.

כי הגוף שהוא בחי' צומח³⁰ הוא אצל וסמוך לבחי' החי כנ"ל שהצומח הי' [היה] כלול בחי' בבחי' עבור כו':

زیرا بدن، که مرتبه نباتی است، در کنار و مجاور مرتبه حیوانی قرار دارد، چنانکه پیشتر گفته شد که مرتبه نباتی در مرتبه حیوانی، به صورت جنینی، دربرگرفته شده بود و مانند آن.

بدن‌های فرشتگان از مرتبه نباتی‌اند و در کنار مرتبه حیوانی جان‌هایشان قرار دارند؛ زیرا مرتبه نباتی نخست به صورت جنین در مرتبه حیوانی جای داشت.

بخش 5 • 121-15

فرمانروایی و حروف بیرون از زنجیره‌اند

12 וכמו"כ [וכמו כן] יובן גם למעלה יותר בחיון עלאין שהם האבות שהן הן המרכבה³¹ והיינו בבחי' אצי' והיו כלולים מתחלה ג"כ בבטן אימא עלאה בחי' עבור ואח"כ יצאו לגילוי.

و به همین‌سان، این معنا در مرتبه‌ای بالاتر نیز درباره موجودات زنده برین (حיון עלاین، chayos elyonim) فهمیده می‌شود؛ آنان پدران‌اند—آنان همان ارابه‌اند—یعنی در مرتبه عالم صدور (אצילות، Atzilus): آنان نیز در آغاز در رحم مادر برین (אימא עלאה، Imma Ila'ah)، در حالت جنینی، دربرگرفته بودند و سپس برای ظهور بیرون آمدند.

همین الگو در مرتبه‌ای بالاتر، در عالم صدور، نیز برقرار است: موجودات زنده برین ارابه الهی، پدران‌اند؛ یعنی عواطف الهی‌ای که ابراهیم (אברהם)، اسحاق (יצחק) و یعقوب (יעקב) تجسم بخشیدند. این عواطف نخست در مادر برین (אימא עלאה)، یعنی فهم (בינה، Binah)، پرورش یافتند و سپس ظهور کردند.

ואז הם בבחי' יניקה כו' והיינו ענין צומח וחי הסמוכים זה לזה שנמשכים זמ"ז [זה מזה] בדרך השתלשלות עו"ע [עילה ועלול] כו'.

و سپس در حالت شیرخوارگی هستند و الی آخر. و این همان مسئله گیاهی و حیوانی است که در کنار یکدیگرند و به واسطه زنجیره علت و معلول، از یکدیگر پدید می‌آیند و امتداد می‌یابند و الی آخر.

پس از ظهور، آنان از عقل «شیر می‌نوشند». این همان پیوند نزدیک گیاهی و حیوانی است: هر مرتبه از مرتبه بالاتر، به واسطه علت و معلول، جریان می‌یابد.

משא"כ בחי' הדומם שהיא בחי' המל' היא מובדלת בערך מהם ואינה נמשכת בבחי' השתלשלות עו"ע
[עילה ועלול] **כדרך המשכת המדות מהשכל.**

اما مرتبة بی جان، که مرتبة فرمانروایی (ملכות، Malchus) است، از حیث رتبه از آنان جداست و به واسطه زنجیره علت و معلول پدید نمی آید؛ برخلاف چگونگی امتداد صفات عاطفی (مדות، middos) از عقل.

فرمانروایی، یعنی مرتبة «بی جان»، متفاوت است: آن صرفاً معلول مرتبة بالاتر نیست، چنان که عواطف معلول فهم اند.

כי מן החכמה ולמטה הוא בחי' השתלשלות עו"ע [עילה ועלול] **חכ' [חכמה] ואח"כ בינה ואח"כ דעת עד**
שאח"כ נמשכים המדות כו'

زیرا از حکمت (חכמה، Chochmah) به پایین، زنجیره ای از علت و معلول برقرار است: حکمت، و سپس **بیנה**، و سپس شناخت (דעת، Daas)، تا آن که پس از آن صفات عاطفی امتداد می یابند و الی آخر،

از حکمت به پایین، مراتب تجلی (سفירות، Sefiros) زنجیره ای علی تشکیل می دهند: حکمت فهم را پدید می آورد، سپس شناخت را، و اینها عواطف را پدید می آورند.

עד בחי' המל' ולא עד בכלל כי התהוות המל' שהיא בחי' אותיות דבר ה' אינן מסוג וערך הבחינה
שלמעלה ממנה עד שיתכן לומר שתהא נמשכת בדרך עו"ע [עילה ועלול]

تا مرتبة فرمانروایی، اما نه شامل آن؛ زیرا پدید آمدن فرمانروایی، که مرتبة حروف کلام **ה'** است، از جنس و رتبه مرتبة بالاتر از خود نیست تا بتوان گفت که به واسطه علت و معلول از آن امتداد می یابد.

اما این زنجیره پیش از فرمانروایی متوقف می شود. فرمانروایی همان «حروف» کلام **ה'**، یعنی گفتار او، است؛ و حروف از همان جنس مرتبة بالاتر از خود نیستند، پس نمی توانند به عنوان معلول آن از آن پدید آیند.

וכמשל האותיות הגשמיים שאינן מערך המדות והשכל כו' אלא שהתהוותן הוא מלמעלה יותר והיינו
מעצמיות הנפש שקבועים בה כ"ב אותיות אלו.

این مانند حروف جسمانی است که از حیث رتبه هم نسخ صفات عاطفی و عقل نیستند و الی آخر؛ بلکه پدید آمدنشان از مرتبه ای بالاتر است، یعنی از ذات خود جان، که این بیست و دو حرف در آن جای گرفته اند.

همچنین حروف انسانی محصول احساسات یا اندیشه های شخص نیستند. آنها از چیزی برتر سرچشمه می گیرند: از ذات خود جان، که بیست و دو حرف به طور ذاتی در آن جای دارند.

כי הגם דאחה"ע מהגרונ^{32,33} כו' היינו שהם באים ומתלבשים במוצאות אלו אבל שרשם בנפש כידוע ומבואר באגה"ק [באגרת הקודש] ע"פ ויעש דוד שם.³⁴

זیرا هرچند حروفِ گلو (אחה"ע, Alef, Ches, Hei, Ayin) از گلو هستند و الی آخر، مقصود این است که آنها از این جایگاه‌های آواسازی پدید می‌آیند و در آنها متلبّس می‌شوند؛ اما ریشه‌شان در جان است، چنان‌که شناخته است و در Iggeres HaKodesh (آגרת הקודש) بر آیه «و داوود (דוד) نامی ساخت» توضیح داده شده است.

حروفِ گلو و گروه‌های دیگر تنها از طریق اندام‌های گفتار ادا می‌شوند؛ ریشهٔ آنها در خودِ جان است، چنان‌که در Iggeres HaKodesh، رسالهٔ ۵، توضیح داده شده است.

13 ולכן אותיות שוים יכולים להורות על ב' שכליים הפכים רק בשינוי הצרופים בהקדמת ואיחור אות זה מזה

بنابراین، همان حروف می‌توانند دو مفهوم متضاد را بیان کنند، صرفاً با تغییرِ ترکیبشان؛ یعنی با پیش یا پس آوردنِ یک حرف نسبت به حرفی دیگر،

دلیلی بر آنکه حروف با مفاهیم پیوندِ ذاتی ندارند؛ همان حروف، صرفاً با جابه‌جا شدن، می‌توانند مفاهیمی متضاد را بیان کنند.

اع"פ [אף על פי] שהן הן אותן האותיות ממש ויהיה שינוי גדול בההשכלה מהפוך להפוך כמו מאש למים שזהו חסד וזהו גבורה כו'.

با آنکه این‌ها دقیقاً همان حروف‌اند، تفاوتی بزرگ در مفهوم پدید می‌آید و از یک سرِ طیف به سرِ مخالف آن می‌رسد؛ مانند تفاوتِ آتش و آب - که یکی مهر (חסד, Chesed) است و دیگری قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah)، و غیره.

همان حروف، با جابه‌جایی، می‌توانند مفاهیمی به تضادِ آتش و آب پدید آورند؛ یکی بیانگر مهر (חסד, Chesed) و دیگری بیانگر قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) است.

14 והטעם מפני שבאמת גוף ועצם האותיות אין להם שייכות למהות השכל כלל עד שיתכן לומר שאותיות אלו שייכים לשכל זה דוקא ולשכל שכנגדו יצטרכו אותיות אחרים

دلیلش این است که در حقیقت، کالبد و جوهرِ حروف هیچ پیوندی با ذاتِ عقل ندارند؛ به‌گونه‌ای که بتوان گفت این حروف مشخصاً به این اندیشه تعلق دارند و برای اندیشهٔ مقابل، حروف دیگری لازم خواهد بود،

دلیل این است که خودِ حروف هیچ پیوندِ ذاتی‌ای با اندیشه‌ای معین ندارند؛ بنابراین هیچ اندیشه‌ای مالکِ حروف خاصی نیست.

כדרך שהוא במדות שיש שכל נוטה כלפי חסד ואינו נוטה כלפי גבורה ויש שכל נוטה כלפי גבורה כו' לפי שהן נמשכים בבחי' השתלשלות עו"ע [עילה ועלול] כו'.

چنانکه در صفات عاطفی (مדות, middos) چنین است: اندیشه‌ای به مهر (חסد, Chesed) گرایش دارد و به قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) گرایش ندارد، و اندیشه‌ای به قید و سخت‌گیری گرایش دارد، و مانند آن؛ زیرا آن‌ها به صورت زنجیره‌ای از علت و معلول امتداد می‌یابند، و مانند آن.

عواطف متفاوت‌اند: خط فکری معینی به‌طور طبیعی به سوی مهر یا سخت‌گیری می‌رود، زیرا عواطف از راه علت و معلول از اندیشه‌ها پدید می‌آیند.

15 וכמו"כ [וכמו כן] למעלה התהוות האותיות אינו בהשתלשלות עו"ע [עילה ועלול]. וכמו שהמדות נמשכים מבינה כי אינם מערך זה כו'.

همچنین در عوالم بالا، پدیدآمدن حروف از طریق زنجیره علت و معلول نیست؛ نه به‌سان صفات عاطفی (مדות, middos) که از فهم (בינה, Binah) برمی‌آیند، زیرا حروف از این سنخ نیستند و جز این‌ها...

در بالا نیز فرمانروایی (מלכות, Malchus)، یعنی «حروف»، به صورت حلقه‌ای در زنجیره علی پدید نمی‌آید؛ نه به‌سان عواطف که از فهم سرچشمه می‌گیرند، زیرا از آن مقوله نیست.

אבל מ"מ לזאת הנה יש בהם מעלה יתירה שהתהוות' הוא ממקו' יותר עליון שמשם דוקא הוא שיכול להיות השפלה זו להיות התהוות מדת המל'.

اما بااین‌همه، از همین جهت برتری افزوده‌ای دارند: پدیدآمدنشان از جایگاهی برتر است؛ زیرا تنها از آنجا می‌تواند چنین فروآمدنی صورت پذیرد، یعنی صفت مملכות پدید آید.

بااین‌حال، همین استقلال فضیلتی است: سرچشمه آن مرتبه‌ای برتر است و تنها سرچشمه‌ای برتر می‌تواند چنین «فروآمدنی» را پدید آورد؛ یعنی مملכות، صفتی که عوالم از طریق آن آفریده می‌شوند.

«او زمین را به واسطه حکمت بنیاد نهاد»

16 והוא מ"ש בחכמה יסד ארץ³⁵ כונן שמים בתבונה שבח' ארץ נמשכת מהחכמה דוקא שהיא למעלה

משכל המושג הנק' תבונה שבו כונן שמים שהם המדות.

و این همان چیزی است که نوشته شده است: «با حکمت (חכמה, Chochmah) زمین را بنیاد نهاد؛ آسمانها را با فهم دریافت پذیر (תבונה, Tevunah) استوار ساخت»: مرتبه «زمین» به طور مشخص از **חכמה** امتداد می یابد، زیرا **חכמה** فراتر از عقل قابل فهمی است که **תבונה** نام دارد؛ و او با آن آسمانها را استوار ساخت، یعنی همان صفات عاطفی.

این معنای امثال ۳:۱۹ است: «زمین» (یعنی فرمانروایی (ملכות, Malchus)) از **חכמה** سرچشمه می گیرد؛ **חכמה** فراتر از عقل قابل فهم است؛ این عقل **תבונה** است، یعنی فهم (בינה, Binah). درحالی که «آسمانها» (عواطف) از **תבונה** سرچشمه می گیرند.

אע"פ [אף על פי] דגם המדות נמשכים מחכ' [מחכמה] היינו ששם הוא מקורם אבל עיקר התהוותם להיות בהתחלקות כמו שהן עתה הוא מן התבונה.

هرچند صفات عاطفی نیز از **חכמה** امتداد می یابند، مقصود این است که سرچشمه آنها در آنجاست؛ اما بخش اصلی پدیدآمدنشان، به گونه ای که اکنون از یکدیگر متمایزند، از **תבונה** است.

عواطف در **חכמה** نیز ریشه دارند، اما شکل گیری واقعی آنها به صورت صفات متمایز از **תבונה** است.

כי החכמה נק' יו"ד שהיא למעלה מהתחלקות עדיין כנקודה שהיא בלתי מתחלקת כידוע והשפעת המדות משם הוא ג"כ בבחי' כללות

زیرا **חכמה** یود (יו"ד, Yud) نامیده می شود؛ یودی که هنوز فراتر از تمایزهاست، مانند نقطه ای که تقسیم پذیر نیست، چنان که معروف است؛ و فیضان صفات عاطفی از آنجا نیز به صورت کلی و فراگیر است.

חכמה با یود، که تنها نقطه ای است و به بخشها تقسیم نمی شود، نمادپردازی می شود؛ هرچه از آن به عواطف می رسد نیز فشرده و کلی است.

وهو كدמיון חלק הבן שמהאב נמשך טפה א' לבד רק שהיא כוללת כל גופו אבל עיקר בנינו בגידול אבריו להיות בציור פרצוף אדם בהתחלקות האברים הוא מהאם ע"י עבור בבטן האם.

این مانند سهم پسر است: از پدر تنها قطره‌ای واحد امتداد می‌یابد، اما همان قطره تمام بدن او را دربر دارد؛ ولی بخش اصلی شکل‌گیری او، یعنی رشد اندام‌هایش تا پیکری به هیئت انسان با اندام‌های متمایز، از مادر است و از راه بارداری در رحم مادر تحقق می‌یابد.

همین‌طور است در مورد فرزند: قطره واحد پدر در خود، بالقوه، تمام فرزند آینده را دارد؛ اما پرورش او تا رسیدن به پیکری شکل‌یافته با اندام‌های متمایز، هنگام بارداری از مادر صورت می‌گیرد. به همین ترتیب، **בינה** عواطف را به صفات متمایز پرورش می‌دهد.

17 וכך הוא ית' כונן שמים שיהיו המדות מתכוננים היטב כפי שצ"ל בבחי' פרצוף הוא בתבונה דוקא

و بدین‌سان، او که متبارک است «آسمان‌ها را استوار ساخت»؛ یعنی صفات عاطفی (مדות, middos) چنان‌که باید، به‌خوبی استقرار یابند و صورتی کامل از پیکربندی (פרצוף, partzuf) پیدا کنند؛ و این کار مشخصاً به‌واسطه فهم تعمقی (تבונה, Tevunah) انجام می‌شود.

پس «استوار ساختن آسمان‌ها» - یعنی شکل‌دادن به عواطف در قالب پیکربندی کامل و سازمان‌یافته (partzuf) - کار فهم تعمقی (Tevunah) است.

והיינו ענין עבור המדות בבינה ואח"כ יש ימי יניקה ומוחין כו' והוא ענין צומח וחי שהם סמוכים זל"ז [זה לזה] כנ"ל.

و این همان موضوع دوران جنینی صفات عاطفی (مדות, middos) در فهم (בינה, Binah) است؛ و پس از آن، روزهای شیرخوارگی و [دوران] قوای عقلانی و جز آن فرا می‌رسد؛ و این همان موضوع مراتب نباتی و حیوانی است که، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، در کنار یکدیگر قرار دارند.

این فرایند عبارت است از دوران جنینی در فهم (Binah)، و سپس شیرخوارگی و به‌کمال‌رسیدن قوای عقلانی: رابطه مراتب نباتی و حیوانی که در کنار یکدیگرند.

משא"כ המל' הנה בחכמה דוקא יסודה ממש וכמ"ש בזוהר אבא יסד ברתא³⁶

اما فرمانروایی (מלכות, Malchus)، بنیادش مشخصاً بر خود حکمت (חכמה, Chochmah) استوار است؛ چنان‌که در زوهار (זهر, Zohar) گفته شده است: «پدر (אבא, Abba) دختر را بنیاد نهاد.»

اما فرمانروایی (Malchus) مستقیماً به‌دست حکمت (Chochmah) بنیاد می‌یابد، چنان‌که زوهار می‌گوید: «پدر (Chochmah) دختر (Malchus) را بنیاد نهاد.»

דהיינו שכמו שהחכמה נמשכת מאין ליש שלא בדרך השתלשלות. כך גם המלי' שהיא בחינת אותיות יש בזה בחי' זו במה שנמשכת ג"כ מבחי' אין שהרי עפ"י [על פי] השתלשלות לא היה ראוי להיות התהוות האותיות מהשכל או מהמדות כו'

یعنی همان‌گونه که حکمت (Chochmah) از نیستی به هستی پدید می‌آید، نه از راه زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus)، فرمانروایی (Malchus) نیز که مرتبهٔ حروف است، همین ویژگی را دارد؛ زیرا آن هم از مرتبهٔ «نیستی» پدید می‌آید. چه، بر پایهٔ زنجیرهٔ نزولِ عوالم، شایسته نبود که حروف از عقل یا از صفاتِ عاطفی و جز آن پدید آیند.

خودِ حکمت از «نیستی به هستی» پدید می‌آید و محصولِ چیزی پیش از خود نیست؛ به همین ترتیب، فرمانروایی، یعنی حروف، نیز از «نیستی» پدید می‌آید و معلولِ عقل یا عواطف نیست. زنجیرهٔ علی به‌تنهایی نمی‌توانست باعث شود حروف از آن‌ها پدید آیند.

(ומש"ל [ומה שכתוב לעיל] דגם חכמה נקרא חי' כמ"ש והחכמה תחיה³⁷ היינו כי בחכמה יש ב' מדרגות בחי' אבא עלאה והוא יו"ד של שם הוי"ה ח"ע [חכמה עילאה] אבל בחינה ב' הוא נק' ישראל סבא ומרומז באות ה' כמ"ש במשנת חסידים מסכת או"א [אבא ואימא].

(و دربارهٔ آنچه پیش‌تر گفته شد که حکمت نیز «زنده» نامیده می‌شود، چنان‌که نوشته شده است: «و حکمت حیات می‌بخشد»، سبب آن این است که در حکمت دو مرتبه وجود دارد: مرتبهٔ پدر برتر (אבא עלאה)، که یוד (יו"ד, Yud) نام چهارحرفی (ה', Havayah)، یعنی حکمتِ برتر، است؛ اما مرتبهٔ دوم «یسرائیل سبא» (ישראל סבא, Yisrael Saba) نامیده می‌شود و در حرفِ هی (ה') به آن اشاره شده است، چنان‌که در می‌شناس حسیدیم (משנת חסידים)، رسالهٔ پدر و مادر (אבא ואמא, Abba v'Imma)، آمده است.)

یادداشتی در میان پرانتز: پیش‌تر حکمت «زنده» خوانده شد («و حکمت حیات می‌بخشد»). علت آن است که حکمت دو مرتبه دارد: پدر برتر، یוד نام ه'؛ و مرتبهٔ دوم که «یسرائیل سبא» نامیده می‌شود و حرفِ هی به آن اشاره دارد، چنان‌که اثر قبلائی می‌شناس حسیدیم شرح می‌دهد.

והנה בחי' ה' הוא בחי' מקור לבחי' חי כמש"ל [כמה שכתוב לעיל] שארבעה אותיות שם הוי"ה הן מקור בחי' דצח"מ [דומם צומח חי מדבר] לכך בחי' זו הב' דחכמה נקרא ג"כ חי וזהו והחכמה תחיה אבל בחי' ראשונה נקרא מדבר)

اکنون، مرتبهٔ هی سرچشمهٔ مرتبهٔ حیوانی است؛ چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، چهار حرفِ نامِ ه' سرچشمهٔ مراتبِ بی‌جان، نباتی، حیوانی و ناطق‌اند. از این‌رو، این مرتبهٔ دوم حکمت نیز «زنده» نامیده می‌شود؛ و این همان «و حکمت حیات می‌بخشد» است؛ اما مرتبهٔ نخست «ناطق» نامیده می‌شود.

از آنجا که هی سرچشمهٔ مرتبهٔ «حیوانی» است، مرتبهٔ دوم حکمت «زنده» نامیده می‌شود، حال آنکه مرتبهٔ نخست، یعنی یود، «ناطق» است.

ולכן אדה"ר [אדם הראשון] היה גופו דומם ממש. כי יש ב' מיני אדם.

ازاین رو، آدم نخستین (آدم הראשון) بدنی واقعاً بی جان داشت؛ زیرا دو گونه «آدم» وجود دارد.

بنابراین، بدن آدم نخستین واقعاً بی جان بود. این مقاله میان دو گونه «آدم» تمایز می گذارد.

א' הוא בחי' שם מ"ה [שם מ"ה] שנק' אדם כמ"ש כתפארת אדם לשבת בית³⁸ שבחי' ת"ת [תפארת] שהוא

כללות ז"א הנק' שם מ"ה [שם מ"ה] נקרא אדם.

یکی، مرتبه نام م"ה (שם מ"ה, Mah) است که «آدم» نامیده می شود، چنان که نوشته شده است: «چون زیبایی و هماهنگی (תפארת, Tiferes) انسان (آدم, adam)، برای سکونت در خانه؛ مرتبه زیبایی و هماهنگی (תפארת, Tiferes)، که کلیت / مجموع (כללות, klalus) صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) است و نام م"ה خوانده می شود، «آدم» نامیده می شود.

نخست، نام Mah است؛ املاي ה' با الفها که ارزش عددی اش ۴۵ است و با ارزش عددی آדם («انسان») برابر می شود. این «آدم» همان زیبایی و هماهنگی (Tiferes) است که نماینده کلیت صفات عاطفی (Z'eir Anpin) است؛ چنان که در عبارت «چون زیبایی انسان» آمده است (اشعيا 44:13). «آدم» دوم و برتر در بند بعدی توضیح داده می شود.

18 ואמנם בחי' אדה"ר [آدم הראשון] היינו בחי' ח"ע [חכמה עילאה]³⁹ שהיא ראשית האצ"י ממש והוא בחי' שם

ע"ב [שם ע"ב]. ולכן הוא דוקא שהיה גופו דומם.

اما مرتبه آدم، نخستین انسان (آدم הראשון)، همان مرتبه حکمت برین (חכמה, Chochmah) است؛ همان آغاز عالم صدور (אצילות, Atzilus)، و مرتبه نام ע"ב (Av) است. ازاین رو، مشخصاً بدن او بی جان بود.

آدم دوم و برتر - یعنی آدم نخستین - با حکمت برین، آغاز عالم صدور، و نام Av متناظر است. Av به نام ע"ב اشاره دارد: نام چهارحرفی (ה', Havayah) که با یودها به صورت پُر نوشته می شود و ارزش عددی اش ۷۲ است. دقیقاً به همین دلیل بدن او بی جان بود.

כי בחכמה דוקא יסד ארץ⁴⁰ שמהחכמה הוא שיכול להיות התהוות הדומם ואדרבה בדומם דוקא

מתלבשת החכמה משא"כ בצומח שהרי כונן שמים הוא בתבונה בלבד.

زیرا «به واسطه حکمت، زمین را بنیاد نهاد»: از حکمت است که پدید آمدن بی جان ممکن می شود؛ بلکه برعکس، حکمت به طور خاص در بی جان جای می گیرد؛ اما در مورد نباتی چنین نیست، زیرا «آسمانها را برقرار ساخت» تنها «با فهم (تבונה, Tevunah)» است.

از آنجا که «به واسطه حکمت، زمین را بنیاد نهاد»، حکمت بی جان را پدید می آورد و حتی به طور خاص در آن جای می گیرد؛ حال آنکه نباتی، یعنی «آسمانها»، تنها از Tevunah پدید می آید.

משא"כ נפש החי לא יכלה להתלבש בגוף שמבחי' דומם

اما نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) نمی‌توانست در بدنی از مرتبه بی‌جان جای گیرد.

نفیس حیوانی، که از Binah سرچشمه می‌گیرد، نمی‌توانست در بدنی بی‌جان وارد شود.

שהרי מהבינה לא יכול להיות רק בחי' השתלשלות בלבד עו"ע [עילה ועלול] והוא בחי' צומח ולא התהוות

בחי' המל' הנקרא דומם שזה אינו אלא מח"ע [מחכמה עילאה] דוקא כו'.

زیرا از Binah فقط زنجیره‌ای از علت و معلول می‌تواند پدید آید؛ این همان مرتبه نباتی است، نه پدیدآمدن مرتبه فرمانروایی (ملכות, Malchus) که «بی‌جان» نامیده می‌شود؛ این مرتبه فقط از حکمت برین پدید می‌آید، و جز اینها.

زیرا Binah فقط می‌تواند چیزها را در زنجیره‌ای تدریجی از علت و معلول پدید آورد، و این به مرتبه نباتی می‌انجامد، نه به فرمانروایی، یعنی «بی‌جان»؛ فرمانروایی فقط از حکمت برین پدید می‌آید.

וז"ש [וזהו שכתוב] בבריאת האדם דוקא וייצר ה' אלקים בב' שמות. שבהן ועל ידן הוא התחברות החכ'

[החכמה] עם המל' כו':⁴¹

و این است علت آنکه مشخصاً درباره آفرینش انسان نوشته شده است: «و ה' אלקים (אלקים, Elokim) صورت داد»؛ با دو نام. زیرا پیوند حکمت و فرمانروایی در آنها و به واسطه آنهاست، و جز اینها.

ازاین‌رو در عبارت «ה' אלקים» انسان را صورت داد» دو نام آمده است: به واسطه آنها حکمت به فرمانروایی پیوند می‌یابد؛ یعنی بالاترین نفس با پایین‌ترین بدن.

بخش 7 • 19-20

بالا و پایین، یکسان‌اند

19 **ונמצא מובן מכ"ז [מכל זה] עכ"פ [על כל פנים] בטוב טעם ודעת מה שנפש החיה יש לה גוף שמבחינת צומח**

דוקא ونפש המדברת היותר עליונה יש לה גוף מבחינת דומם.

از مجموع این مطالب، دست‌کم به‌روشنی و با دلیلی استوار درمی‌یابیم که چرا نفیس حیوانی پیکری از مرتبه نبات دارد، حال آنکه نفیس ناطقه، که برتر است، پیکری از مرتبه جماد دارد.

خلاصه: نفیس حیوانی پیکری نباتی دارد؛ نفیس انسانی برتر پیکری جمادی دارد.

כי אדרבה היא הנותנת כי נשמה גבוה היא שיכולה להתלבש בגוף נמוך דוקא כו'.

زیرا برعکس، همین امر اقتضا می‌کند: این نفیس بلندمرتبه است که می‌تواند به‌طور خاص در پیکری فرو دست جای گیرد، و غیره.

این امر با بلندمرتبه‌گی نفس در تضاد نیست، بلکه به‌سبب آن است: تنها نفیس بلندمرتبه می‌تواند وارد پیکری فرو دست شود.

וזהו בין למעלה ובין למטה כלומר בין בעולמות עליונים שיש שם דצח"מ [דומם צומח חי מדבר] והם בחי'

מלאכים הנק' בשם חיות ועופות כנ"ל כמ"ש פני אריה⁴² وפני שור وפני נשר כו'

و این مطلب هم در بالا و هم در پایین صادق است؛ یعنی هم در عوالم برتر، که در آنها جماد، نبات، حیوان و ناطق وجود دارد – و اینها جنبه‌هایی از فرشتگان‌اند که، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، با نام‌های حیوت (موجودات زنده؛ chayos) و پرندگان خوانده می‌شوند؛ چنان‌که نوشته شده است: «چهره شیر و چهره گاو و چهره عقاب...» و غیره –

همین الگو در «بالا» نیز برقرار است: در عوالم برتر هم چهار مرتبه وجود دارد. فرشتگان که با نام‌های «موجودات زنده» و پرندگان خوانده می‌شوند، بر اساس چهره‌های شیر، گاو و عقاب در رؤیای حزقیال نام‌گذاری شده‌اند و با مرتبه حیوانی تناسب دارند.

ויש שם בחינת מדבר. ونשמת אדה"ר [آدم הראשון] כולל כל נש"י [נשמות ישראל]^{43, 44, 45} כו'. וכולם נולדים

מהארץ שהיא מל' דאצילות.

و در آنجا مرتبه ناطق نیز وجود دارد. نفیس آدم نخستین (آدم הראשון) همه نفوس اسرائیل را دربرمی‌گیرد، و غیره. و همگی از «زمین» زاده می‌شوند؛ زمینی که فرمانروایی (ملכות، Malchus) در عالم صدور (אצילות، Atzilus) است.

در آنجا مرتبه «ناطق» نیز وجود دارد: نفیس آدم نخستین همه نفوس اسرائیل را دربرمی‌گرفت. همه آنان از «زمین» برین، یعنی فرمانروایی عالم صدور، زاده می‌شوند.

20 והנה במאמר תוצא הארץ נפש חיה⁴⁶ ועוף יעופף⁴⁷ שהוא ענין התהוות נפש החיה אזי הגוף שלה יצא

כאחד עם הנפש דהיינו שהיה הגוף בחינת צומח ויצא ביחד עם הנפש.

اکنون، در گفتار «زمین موجودات زنده را پدید آورد... و پرندگان پرواز کنند...»، که ناظر به پدیدآمدن نفیس حیوانی است، بدن آن همراه با نفس پدیدار شد؛ یعنی بدن در مرتبه نباتی بود و همراه با نفس پدیدار شد.

در بالا: هنگامی که فرمانروایی (ملכות، Malchus) در عالم صدور (אצילות، Atzilus) فرشتگان («موجودات زنده» و «پرندگان») را پدید آورد، بدن‌هایشان همراه با جان‌هایشان پدید آمد؛ بدنشان در مرتبه نباتی است.

והיינו מפני שגם הנפש נלקחה מחיצוניות הכלים דמלי' לכן גופו ג"כ רוחני והוא בחי' צומח כו'.

این از آن روست که نفس نیز از بُعد بیرونی (חיצוניות, chitzoniyus) ظرف‌های ملכות گرفته شده بود؛ بنابراین بدن آن نیز روحانی است و در مرتبه نباتی قرار دارد، و جز اینها.

این از آن روست که جان‌های فرشتگان از بُعد بیرونی ظرف‌های ملכות می‌آیند؛ ازاین‌رو بدن‌هایشان نیز به همان نسبت روحانی است.

أبَلْ نَفْسَ الْمَذْهَبِ شَلْ الْهَادِمِ لَا نَتَهَوِّتْ بِيَحْدَ عَمِ الْغَوْفِ رَقْ شَأْح"كْ مَتَلْبَشَتْ بَغَوْفِ دَوْمَمِ دُوكَا هِيَوْتَرِ نَمُودْ.

اما نفسِ ناطقِ انسان همراه با بدن پدید نیامد؛ بلکه پس از آن، مشخصاً در بدنی بی‌جان – که پست‌ترین مرتبه است – متلبس می‌شود.

در مقابل، نفسِ انسان همراه با بدنش پدید نیامد؛ بلکه بعدتر وارد پست‌ترین بدن، یعنی بدنی بی‌جان، شد.

כִּי לְהִיּוֹתָהּ בַּעֲצָמָהּ עַל־יוֹנָה בְּיוֹתֵר ע"כ יִכְלָה לִסְבּוֹל גַּם גּוֹף גִּשְׁמִי כו'

زیرا چون خودِ آن بسیار برتر است، ازاین‌رو حتی بدنی جسمانی را نیز می‌توانست تاب آورد، و جز اینها.

نفسِ انسان، از آن‌رو که خود بسیار برتر است، حتی بدنی جسمانی را نیز تاب می‌آورد.

(וכמ"ש ג"כ במ"א שזהו ענין ההפרש בין זיווג נשיקין⁴⁸ שממנו התהוות המלאכים שהוא רוחני ביותר. ומ"מ הוא רק השפעה חיצוני' ולכן לא יכולים להתלבש בגוף גשמי. אבל זיווג גופני שממנו נשמות עם היותו השפעה גשמית אבל שרשו בפנימי' [בפנימיות / בפנימית] דייקא וע"כ מתלבשים בגופות כו')

(چنان‌که در جای دیگری نیز آمده است که این همان تفاوتِ میان «پیوندِ بوسه‌ها»ست که فرشتگان از آن پدید آمدند، پیوندی که بسیار روحانی است و بااین‌حال فقط تأثیری بیرونی است؛ ازاین‌رو آنان نمی‌توانند در بدنی جسمانی متلبس شوند؛ و پیوندِ جسمانی است که نفوس از آن [پدید می‌آیند]؛ هرچند تأثیری جسمانی است، ریشه‌اش مشخصاً در بُعدِ درونی (פנימיות, pnimiyus) است و ازاین‌رو نفوس در بدن‌ها متلبس می‌شوند، و جز اینها.)

این پراتنز مطلب را با اصطلاحات قبلائی توضیح می‌دهد: فرشتگان از «پیوندِ بوسه‌ها» پدید می‌آیند؛ پیوندی کاملاً روحانی میان مراتبِ تجلی (ספירות, Sefiros) که تنها تأثیری بیرونی می‌رساند، ازاین‌رو فرشتگان نمی‌توانند در بدن‌های جسمانی متلبس شوند. نفوس از «پیوندِ جسمانی» پدید می‌آیند که هرچند «جسمانی‌تر» است، ریشه در بُعدِ درونی دارد؛ بنابراین نفوس وارد بدن‌های جسمانی می‌شوند.

ובין למטה דהיינו בהתהוות דצח"מ [דומם צומח חי מדבר] גשמיים מהארץ הלזו שנפש החיה יצאה מהארץ ממז

و در پایین نیز [چنین است]؛ یعنی در پدیدآمدن جماد، نبات، حیوان و ناطق جسمانی از این زمین: نفیس حیوانی از خود زمین پدید آمد.

در پایین، در جهان جسمانی نیز همین گونه است: نفیس حیوانی از خود زمین پدید آمد.

דהיינו שחומר וצורה של החי שהוא ענין נפשו החיונית וגופו יצאו שניהם מן הארץ כמו שיצא הצומח בחומר וצורה שלו ויצאו שניהם כא' [כאחד] להיות סמוכים וקרובים בערך כנ"ל.

یعنی ماده و صورت حیوان، که عبارت است از نفیس حیاتی و بدن آن، هر دو از زمین پدید آمدند؛ همان گونه که نبات با ماده و صورت خود پدید آمد؛ و هر دو با هم پدید آمدند و از حیث مرتبه مجاور و نزدیک اند، چنان که پیشتر گفته شد.

ماده و صورت حیوان، یعنی نفیس حیاتی و بدن آن، هر دو با هم از زمین پدید آمدند؛ همان گونه که گیاه با ماده و صورت خود پدید می آید، زیرا این دو از حیث مرتبه مجاورند.

אבל במדבר אינו כן כנ"ל שהגוף נתהווה מן הארץ בבחי' דומם ואח"כ נתלבשה בו נפש מלמעלה והיא הנפש המדברת שלא יכלה לשכון בבחי' צומח רק בדומם גשמי כו'.

اما در مورد ناطق چنین نیست، چنان که پیشتر گفته شد: بدن از زمین در مرتبه جماد پدید آمد و پس از آن، نفسی از بالا در آن متلبس شد؛ و آن نفیس ناطق است که نمی توانست در مرتبه نباتی ساکن شود، بلکه فقط در جمادی جسمانی، و جز اینها.

در مورد انسان چنین نیست: بدنش از زمین همچون ماده ای بی جان پدید آمد و پس از آن، نفسی از بالا در آن وارد شد؛ نفیس ناطق نمی تواند در مرتبه نباتی ساکن شود، بلکه فقط در ماده بی جان.

דהיינו כי גם למעלה מעלה בבחי' אצ"י הוא כמו"כ [כמו כן] שהחי מתלבש בצומח והם סמוכים כאחד והוא מ"ש כונן שמים בתבונה⁴⁹ וארץ יסודתה בהררי קדש⁵⁰ ח"ע [חכמה עילאה] כו':

و این از آن روست که حتی در مراتب بسیار بالاتر، در عالم صدور (אצילות، Atzilus)، نیز همین گونه است: حیوان در نبات پوشیده است و آن دو چون یکی در کنار هم اند. و این همان است که نوشته شده است: «او آسمان ها را با فهم (תבונה، Tevunah) استوار ساخت»؛ و زمین - «بنیادش در کوه های مقدس است»؛ [یعنی] حکمت برین (חכמה، Chochmah) و غیره.

רישۀ همه اینها در אצילות است: حیوان، یعنی مرتبه فهم (בינה، Binah)، در نباتی، یعنی صفات عاطفی (מדות، middos)، پوشیده است و در کنار آن قرار دارد؛ چنان که آمده است: «او آسمان ها را با תבונה استوار ساخت»؛ و «زمین» بر «کوه های مقدس» (תהלים 87:1) بنیاد نهاده شده است؛ کوه هایی که آلت ربه (אדמו"ר הזקן) آنها را با חכמה برین یکی می داند.

در کار بندگی

هدف همه عوالم، خودنفی گری «وجود خودنمایان» است و بنی اسرائیل باید به واسطه نفیس الهی، بدن جسمانی خود را خاضع سازند. فرشتگان از انجام این کار ناتوان بودند: اگر بدنی جسمانی داشتند، یکسره از مرتبه خود سقوط می کردند. نفیس الهی که از بُعد درونی سرچشمه می گیرد و خود نیازی به اصلاح ندارد، چنان والاست که می تواند در پست ترین بدن جای گیرد و آن را خاضع سازد و دگرگون کند.

پرسش هایی برای گفت و گو

1. حروف از چه جهت «بی جان»، صفات عاطفی «گیاه وار» و قوای عقلانی «زنده» اند؟ چرا صفات در کنار قوای عقلانی اند، اما حروف نه؟
2. شکل گیری و تغذیه چگونه پیوند صفات عاطفی با قوای عقلانی را توصیف می کنند؟
3. چرا فرشتگان نمی توانستند بدنی جسمانی را دگرگون کنند، اما نفیس الهی می تواند؟ تشبیه آتش بزرگ چه نکته ای می افزاید؟
4. چرا همان حروف می توانند مفاهیم متضاد را بیان کنند، و این چه چیزی را درباره سرچشمه حروف آشکار می سازد؟
5. دو گونه «آدم» چه تفاوتی دارند، و چرا مشخصاً بدن آدم نخستین بود که در آغاز همچون خاکی بی جان بود؟

یادداشت‌ها

بند 1

1 ולהבין בתוס' ביאור

نسخه دیگری از این بخش؛ ظاهراً همان نسخه‌ای که میترلر ربه (ادمو"ר האמצעי) ضبط کرده است.

یادداشت کھوت

הנחה אחרת [כנראה הנחת כ"ק אדה"א] במאמרי אדה"ז פרשיות ע' כב. בארוכה בתו"ח בראשית כג, ב. הגהות באוה"ת בראשית כרך 1 תתרנב, ב (מלקו"ת לג"פ פרשיות). נמצא בגוכתי"ק הצ"צ בבוך מאמרים משנת תקע"א-ב.

2 וייצר ה' אלקים את האדם עפר מן האדמה

«و نام چهارحرفی (ה', Havayah) و نام אלקים (אלקים, Elokim) انسان را از غبار زمین سرشت و در سوراخ‌های بینی‌اش نفیس حیات دمید.» تورات از شکل‌گیری انسان در دو مرحله سخن می‌گوید: نخست بدنی از غبار، سپس روح.

Genesis 2:7 בראשית ב'ז:

וַיִּצְרֶה ה' אֱלֹקִים אֶת־הָאָדָם עָפָר מִן־הָאֲדָמָה וַיִּפַּח בְּאַפִּיו נֶשְׁמַת חַיִּים וַיְהִי הָאָדָם לְנֶפֶשׁ חַיָּה:

Then the L-RD G-d formed man of the dust of the ground, and breathed into his nostrils the breath of life; and man be-
came a living soul

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 2

3 האותיות הן בחי' דומם

در آن‌جا نیز حروف اندیشه و گفتار «دومם» هستند، زیرا واژه رشد نمی‌کند؛ درحالی‌که מדות «צומח» اند و از کوچک به بزرگ رشد می‌کنند، و عقل «زنده» است («حکمت حیات می‌بخشد»). در بالا، در **ספר יצירה (ספר יצירה)**، حروف «سنگ‌ها» خوانده می‌شوند؛ و صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin)، «نباتی»، کوچکی و بزرگی دارد.

یادداشت کھوت

ראה גם בלקו"ת חקת נח, א. תו"ח בראשית יט, ד ואילך. ד"ה חביבין ישראל תרצ"ו. איזהו חכם תשי"ב פ"ה. לקוטי שיחות ח"ו ע' 113 הערה 54.

بند 3

4 כי היא היתה אם כל חי

آدم (ادم) همسرش را حوا (חווה) نامید، «زیرا او مادر همهٔ زندگان (חי, chai) بود»؛ خود این نام نیز پژواکی از **חי** است. آلتز ربی (ادمو"ר הזקן) این را بر فهم (בינה, Binah)، مادر علیا، به‌عنوان مرتبهٔ «حیات» تطبیق می‌کند.

Genesis 3:20 בראשית ג'כ:

וַיִּקְרָא הָאָדָם שֵׁם אִשְׁתּוֹ חַוָּה כִּי הִוא הָיְתָה אִם כָּל־חַי:

And the man called his wife's name Eve; because she was the
mother of all living

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

בראשית ג, כ.

5

והחכמה תחי'

کوہلت (קהלת) می‌گوید که حکمت (חכמה, Chochmah) «به صاحبانش حیات می‌بخشد». این گفتار (مאמר, maamar) به آن استناد می‌کند تا نشان دهد که **חכמה** نیز «زنده» خوانده می‌شود.

Ecclesiastes 7:12 קהלת ז'י"ב

כִּי בְצַל הַחֲכָמָה בְּצַל הַכֶּסֶף וַיִּתְרוֹן דַּעַת הַחֲכָמָה תַּחֲיָה בְּעָלֶיהָ:

For wisdom is a defence, even as money is a defence; but the
excellency of knowledge is, that wisdom preserveth the life of
him that hath it

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

קהלת ז, יב.

بند 4

6 שו"ה ומתדבקים — עצמותן

یک قرأت دیگر: به‌جای «عצמותן» (ذات آن‌ها)، «عצمیوتן» (ذاتی‌بودن آن‌ها) آمده است؛ معنا یکسان است.

یادداشت کھوت

בגוכתי"ק הצ"צ: עצمیوتן.

7

7 כולד . . דירך אמו

قاعدة تلمودی که جنین را «ران مادرش»، یعنی بخشی از بدن او، می‌داند. این قاعده نشان می‌دهد که عواطف، هنگامی که در عقل نهفته‌اند، با آن یکی هستند.

Gittin 23b גיטין כ"ג ב

یادداشت کھوت

גיטין כג, ב. רש"י.

بند 5

8

8 תוצא הארץ נפש חיה

بدن‌ها و جان‌های حیوانات، به فرمان گفته‌شده، هم‌زمان از زمین پدید آمدند.

Genesis 1:24 בראשית א'כ"ד

וַיֹּאמֶר אֱלֹקִים תּוֹצֵא הָאָרֶץ נֶפֶשׁ חַיָּה לְמִינָהּ בְּהֵמָה וְרֶמֶשׂ וְחַיִּתֹּאֲרָץ לְמִינָהּ וְחַיִּיתֶיכֶן:

And G-d said: 'Let the earth bring forth the living creature af-
ter its kind, cattle, and creeping thing, and beast of the earth
after its kind.' And it was so

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

9

9 לפי שכלו יהולל איש

مَثَلُ شاه شلومو (שלמה)، «آدمی به اندازهٔ خردش ستوده می‌شود»؛ شخص را به‌سبب خردمندی‌اش می‌ستایند. ما **מר** این مَثَل را برای بیان این اصل می‌آورد که شایسته است احساس به‌وسیلهٔ عقل برانگیخته شود؛ ازاین‌رو، عواطف در مجاورت آن قرار دارند.

Proverbs 12:8 משלי י"ב:ח:

לְפִי־שְׁכָלוֹ יְהַלֵּל־אִישׁ וְנַעֲוֶה־לֵב יִהְיֶה לְבוֹז:

A man shall be commended according to his intelligence; But he that is of a distorted understanding shall be despised.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت كهوت

משלי יב, ח.

10 בד"ה בכ"ה בכסלו

در مامار حنوكايي، چراغ‌های منورا نماد بالابردن صفات عاطفی‌اند؛ بخور، كه پس از آماده‌شدن چراغ‌ها تقدیم می‌شد، حروف اندیشه، گفتار و كردار را بالا می‌برد؛ یعنی پوشش‌های «جمادی» عواطف را. نور حكمت (חכמה, Chochmah) فقط به عواطف می‌رسد، زیرا آن‌ها روحانی‌اند؛ اما حروف جسمانی با بخور بالا برده می‌شوند، بخوری كه ادویه‌هایش مزه‌ای ندارند و خودشان نیز «جماد»‌اند.

یادداشت كهوت

לקמן כט, א.

11 שו"ה החי' — עמו

یک قرائت بدل: «با آن و جز این‌ها؛» با افزودن «و جز این‌ها».

یادداشت كهوت

בגוכתי"ק הצ"צ: עמו כו'.

12 עם היותה בחי' מדבר שהוא למעלה בערך גם מן החי

تسمح تسدک (הצמח צדק) یادآور می‌شود كه این مامار نفیس انسان را از حكمت برین می‌داند؛ ازاین‌رو «آدم» همان حكمت است. و در جایی كه «آدم» در توضیحی دیگر اراده دانسته شده، علت آن است كه پدر (אבא, Abba) از מַל, یعنی منبع فیض برتر (מזל, Mazal), دریافت می‌کند و حروف اراده (רצון, ratzon) را شكل می‌دهد.

یادداشت كهوت

ראה אוה"ת דרושים לר"ה ע' א'שלו שכאן נתבאר שנשמת האדם הוא מבחי' ח"ע, א"כ בחי' אדם הוא חכמה, ומה שנתבאר שאדם הוא רצון "היינו כי אבא מקבל ממזל ונוצר אותיות רצון" ע"ש.

بند 6

13 ההפרש שבין מלאכים ونשמות

آنجا آلتَر رَبه (ادمو"ר הזקן) توضیح می‌دهد كه بدن‌های فرشتگان «چیژی» هستند كه از بُد بیرونی (חיצוניות, chitzoniyus) ظرف‌ها پدید آمده‌اند؛ درحالی‌كه نفوس فرشتگان از «پیوند بوسه‌ها» و نفوس انسانی از پیوند صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) و بُد مؤنث / فرمانروایی (נוקבא, Nukva) سرچشمه می‌گیرند.

یادداشت كهوت

ראה אנה"ק סי' כ (קל, א). ביאורה"ו לכ"ק אדהאמ"צ ב, א. צח, ג. לקו"ת שה"ש לט, ד. אוה"ת בראשית א קלו, ב. ענינים ע' קנ. ושם מבאר כי המלאכים נלקחים מחיצוניות הכלים ולכך אין להם תורה, אבל נש"י נלקחים מפנימיות הכלים ולכך יש להם תורה ע"ש.

14 המלאכים נק' בשם חיות ובהמות

آنجا فرشتگان بهائم و حیوانات خوانده می‌شوند، زیرا اختیار آزاد ندارند و عشق و هیبتشان طبیعی است؛ ازاین‌رو صالحان از آنان برترند.

2-1:39 Tanya, Likkutei Amarim תניא, חלק ראשון; ליקוטי

אמרים ל"ט:א-ב'

ומפני זה גם כן, נקראים המלאכים בשם חיות ובהמות, כדקתיב: "ופני אריה אל הקמיו וגו' ופני שור מהשמאל וגו'", לפי שאינם בעלי בחירה, ויראתם ואהבתם היא טבעית להם, כמו שקתוב ב"רע"א מהימנא" פרשת פנחס. ולכן מעלת הצדיקים גדולה מהם, כי, מדור נשמות הצדיקים — הוא בעולם הקריאה, ומדור המלאכים — בעולם הקצירה.

הגהה והיינו בסתם מלאכים, אבל יש מלאכים עליונים בעולם הקריאה שעבודתם בדחילו ורחימו שקליים, כמו ...

Kehot Publication Society (CC-BY-NC)

یادداشت كهوت

ראה תניא רפ"ט. וראה גם אוה"ת תבא ע' תתש.

15 פני ארי' אל הימין

در رؤیای حزقیال، چهار موجود زنده (חיות, chayos) ارايه، در سمت راست چهره شیر و در سمت چپ چهره گاو دارند؛ ازاین‌رو فرشتگان را به نام حیوانات می‌خوانند.

Ezekiel 1:10 יחזקאל א':

ודמות פניהם פני אדם ופני אריה אליהמיו לארבעתם ופני שור מהשמאל לארבעתם ופני נשר לארבעתם:

As for the likeness of their faces, they had the face of a man; and they four had the face of a lion on the right side; and they four had the face of an ox on the left side; they four had also the face of an eagle

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت كهوت

יחזקאל א, י.

16 מגוף ونפש ונק' חומר וצורה

در تניא فصل 40 از רבי חיים ويتال نقل شده است كه همه فرشتگان از ماده و صورت ترکیب یافته‌اند.

یادداشت كهوت

ראה תניא פרק מ.

17 שגופם רוחני יותר

آنجا آلتَر رَبه می‌گوید كه فرشتگان از آغاز با روح و بدن آفریده شدند؛ بدنشان پوششی برای نیروی روحانی‌شان بود، درحالی‌كه روح انسان از موجودات برتر و بدنش از موجودات فروتر است.

یادداشت كهوت

ראה במאמרי אדה"ו ענינים ע' קסז "ומה גם שבריתאם בא כאחד נשמתם וגופם בבת א' שגופם לבוש הכח הרוחני שבהם, משא"כ האדם נשמתו מן העליונים וגופו מן התחתונים"

بند 7

18 וכמ"ש הרמב"ן

منبع سخن رامبان درباره اینکه جسم‌های فرشتگان از عناصر معنوي آتش و هوا ساخته شده‌اند.

یادداشت كهوت

בסוף שער הגמול. מובא גם בהפירוש על הרמב"ם פ"ח מהל' תשובה. ראה אוה"ת בראשית כרך ג תקנו, ב. דרך מצותיך סא, ב. סה"מ תרמ"ג ע' עא.

19 עושה מלאכיו רוחות משרתיו אש לוהט

در معنای ساده آیه، سرایندهٔ مزامیر ה' را می‌ستاید كه «بادها را پیام‌آوران خود و آتش فروزان را خادمان خود می‌سازد». پیرو رامبان (רמב"ן), این מאמר (maamar) آن را چنین می‌خواند: «فرشتگانش را از باد (هوا) و خادمانش را از آتش فروزان می‌سازد؛» جسم‌های فرشتگان از هوای روحانی و آتش ساخته شده‌اند.

Psalms 104:4 תהילים ק"ד:

עשה מלאכיו רוחות משרתיו אש לוהט:

Who makest winds Thy messengers, the flaming fire Thy ministers.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

20 שמרוחניות שני היסודות אלו אש ורוח

در آنجا توصیف شده است که جسم‌های فرشتگان «از عنصرِ بسیط هوا و عنصرِ بسیط آتش» ساخته شده‌اند.

یادداشتِ كهوت

ראה בלקו"ת ברכה צח, א "מיסוד הרוח הפשוט ומיסוד האש הפשוט". וראה גם בהמשך חייב אדם לברך פרק יא נדפס בסה"מ תרל"ח ע' קיג.

21 מחנה מיכאל . . מחנה גבריאל

در آنجا، زوهار (זהר) دربارهٔ اردوگاه‌های پیرامون خیمه‌گاه، میکائیل (میכאל) را در سمت راست و جبرائیل (גבריאל) را در سمت چپ قرار می‌دهد و اورئیل (اورئیل) را پیشاپیش و رافائیل (רפאל) را در پشت سر، همچون چهار چهرهٔ ارباعهٔ حزقیאל (یحזקאל). یادداشتِ كهوت این مطلب را برای اردوگاه‌های میکائیل و جبرائیل نقل می‌کند.

Zohar III, 118b חז"ל ק"ח, ב

Tikkunei Zohar, Tikkun 70 • 123a:1 תקו"ז תיקון ע

... א"ל אחזי על אלהו"ת דעלות על כל העלות, ועליה אמר איוב (איוב ה ח) אני אדרוש אל א"ל, אל אלה"י האלקיים, וכד רכיב על א"ל אשתמוזעין לקה כל אלקיים, ומזעזעין מניה, וכל מלאכיא דאתקריאו בהאי א"ל כגון מיכאל גבריאל, כלוה מזעזעין מהאי א"ל דאיהו אלה"י האלקיים, ומאן דקרא לון בקה, מיד עונין לקה בכל שעתא, והכי כל מלאכיא דאתקריאו קליו בשמא דיהו"ה, כל מאן דקרא לון ביהו"ה בעלות על כל העלות מיד עונין לקה בקליה, דעלות על כל ...

Tikkunei Zohar - Vocalized (Public Domain)

یادداشتِ كهوت

ראה חז"ל ק"ח, ב. ת"ז ת"י ע.

22 כי הנה תכלית הירידה

بخشی که از اینجا آغاز می‌شود، در آنجا نقل شده است.

یادداشتِ كهوت

קטע מכאן מובא בסה"מ תרל"ג כרך א ע' עדר.

23 ולכבודי בראתיו

ה' از طریق اشعیا دربارهٔ قوم خود می‌گوید: «هر که به نام من خوانده می‌شود، او را برای جلال خویش آفریدم». این مامר «جلال» ה' را خودنمی‌گري وجود آفریده‌شده در برابر او می‌خواند.

Isaiah 43:7 ישעיהו מ"ג:ז

כל הנקרא בשמי ולכבודי בראתיו אהיעשיתי:

Every one that is called by My name, and whom I have created for My glory, I have formed him, yea, I have made him

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشتِ كهوت

ישע"י מג, ז.

24 בד"ה פדה בשלום עזר"ת ע' צט כתב וז"ל

در آنجا می‌نویسد: به نظر می‌رسد وقتی رامבام می‌گوید فرشتگان صورت بی‌ماده‌اند، مرادش مادهٔ عالم عمل نیست، بلکه مادهٔ معنوی است.

یادداشتِ كهوت

וני' דכוונת הרמב"ם מ"ש שהן צורה בלא גולם היינו לא גולם דעשי' אלא גולם רוחני, עכ"ל ע"ש. מובא גם בלקו"ת ברכה צח, א ובעוד כמה מקומות. וראה בלקו"ש ח"ט ע' 405. ובהנסמן במאמרי אדה"א בראשית ע' קיב. סה"מ תר"ם ח"א ע' רצב הע' 18.

25 והכלים הם בחי' יש חו"ב חו"ג

توضیحی در آنجا دربارهٔ این گفته که ظرف‌ها مرتبهٔ «چیז» هستند: حکمت و فهم، مهر و قید و سخت‌گیری.

یادداشتِ كهوت

ראה בסה"מ תרל"ג כרך א ע' עדר ביאור בענין מה שמבואר כאן דהכלים דבי"ע הם בחי' יש חו"ב חו"ג. ע"ש.

بند 10

26 שו"ה ולכבש

یک صورتِ املايي دیگر: «ولכבוש» به‌جای «ولכבש» («و رام کردن»); معنا تغییر نمی‌کند.

یادداشتِ كهوت

בהגהת הרה"ח ר' אשר: ולכבוש.

27 עלו במחשבו

מידراش چیزهایی را برمی‌شمard که پیش از آفرینش جهان وجود داشتند؛ از جمله این‌که اسرائیل «در اندیشهٔ [ה'] پدید آمد». آטר ربه (ادم"ו"ר הזקן) از این عبارت برای بیان ریشهٔ والای نفوس استفاده می‌کند.

Bereshit Rabbah 1:4 בראשית רבה א:ד'

بند 11

28 אם כל חי

تعبیری که دربارهٔ حوا (חוה) گفته شده، بر מלכות אצילות نیز اطلاق می‌شود، زیرا آن سرچشمهٔ همهٔ حیات در عوالم فرودین است.

Genesis 3:20 בראשית ג':כ'

ויקרא האדם שם אשתו חוה כי הוא היתה אם כל־חי:

And the man called his wife's name Eve; because she was the mother of all living

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

29 תוצא הארץ נפש חי'

به‌ظاهر، در روز ششم ה' به زمین فرمان می‌دهد تا جانوران خشکی را پدید آورد. این عبارت را در مرتبه‌ای بالاتر بخوانید: «زمین علوی»، یعنی فرمانروایی (מלכות, Malchus) در عالم صدور (אצילות, Atzilus), فرشتگان را پدید می‌آورد؛ اینان همان موجودات زنده (חיות, chayos) هستند که در تعبیر «جان زنده» (נפש חיה, nefesh chayah) آیه به آن‌ها اشاره شده است.

Genesis 1:24 בראשית א':כ"ד

ויאמר אלקים תוצא הארץ נפש חיה למינה בהמה ורמש וחי'תוארץ למינה ויהיי'כן:

And G-d said: 'Let the earth bring forth the living creature after its kind, cattle, and creeping thing, and beast of the earth after its kind.' And it was so

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشتِ كهوت

בראשית א, כד.

30 הם המלאכים שנק' חיות . . כי הגוף שהוא בחי' צומח

تسماح تسدک در آنجا می‌پرسد: مگر بدن‌های فرشتگان از آتش و هوا نیستند، که آن‌ها نیز مرتبهٔ نباتی نیستند؟

یادداشتِ كهوت

באוה"ת פ' בראשית כרך ו בד"ה להבין הטעם שנשתנה יצירת גוף האדם סעי' ה (מלקו"ת לג"פ כה, ב) שלכאורה צ"ל הלא גוף המלאכים הם מבחי

אש ורוח שהם ג"כ אינם בחי' צומח. ראה גם אוה"ת תבא ע' תתש.

12 بند

31 האבות שהן הן המרכבה

ריש לאקיש (ריש לקיש) מיگوید: «پدران اراپه‌اند»، زیرا حضور ه' بر آنان قرار داشت، همچون سواری بر اراپه خود. آلتز ربه (ادمو"ר הזקן) این گفته را بر صفات عاطفی (مדות، middos) عالم صدور (اصیלות، Atzilus)، یعنی نیروهای حیات برین (חיות، chayos)، تطبیق می‌کند.

Bereshit Rabbah 47:6 براسیة ربه מ"ז:ו

ويכל לדבר אתו - תני, הנפטר מחבירו בין גדול בין קטן, צריך ליטול ממנו רשות. ממי את למד? מאברהם. פעם אחת היה אברהם מדבר עם הקב"ה, באו מלאכי השרת לדבר עמו. אמר להן: נפטר מן השכינה, שהיא גדולה מכם תחלה, אחר כך אני מדבר עמכם. כיון שדבר עם הקדוש ברוך הוא כל צרכו, אמר לפניו: רבון העולמים! צריך אני לדבר. אמר לו: הפטר בשלום, הה"ד: ויעל אלקים מעל אברהם. אמר ריש לקיש: האבות הן הן המרכבה, שנא': ויעל אלקים מעל אברהם. ויעל מעליו אלקים. (בראשית כה) והנה ה' נצב עליו:

He concluded speaking with him, and G-d ascended from "upon Abraham" (Genesis 17:22). It is taught: One who departs from another person, whether of greater or lesser stature, must take his leave from him. From whom do you derive this? From Abraham. On one occasion, Abraham was speaking with the Holy One blessed be He, when the ministering angels came to speak with him. He said to them: 'Let me first take my leave from the Divine Presence, which is of ... greater stature than you, then I will speak with

Daat Bereshit Rabbah (Public Domain) • The Sefaria Midrash Rabbah, 2022 (CC-BY)

Zohar I, 210b זח"א רי, ב

Zohar III, 182a זח"ג קפב, א

יادداشت كهوت

ב"ר פמ"ז, ו. זח"א רי, ב. זח"ג קפב, א.

32 דאחה"ע מהגרון

רבי (חרבי) در آنجا اشاره می‌کند که ترتیب درست اחה"ע است، نه اחה"ע، و پیشنهاد می‌کند که شاید بتوان این را با زهر (Zohar) 3:123a توضیح داد.

يادداشت كهوت

ס"ר פ"ב מ"א. ראה הערות ותיקונים לתניא (קז, ב): אחה"ע, לא אהח"ע. וי"ל עפמשי"כ בזח"ג קכג, א.

33 דאחה"ע מהגרון

رساله‌ای که درباره «و داوود (دוד) نامی ساخت» است، توضیح می‌دهد که حروف گفتار ریشه در خود نفس دارند و تنها از طریق پنج عضو گفتار بیان می‌شوند.

Tanya, Iggeres HaKodesh 5:6 תניא, אגרת הקדש ה':ו

... מהגרון, ואחר כך נחלק לכ"ב הברות, וביטוי כ"ב אותיות בה' מוצאות ה'דעות: אחה"ע מהגרון, גיכ"ק מהחיד כו'. ומבטא ההבדל הוא אות ה' "אָתָא קלילא כו'", והוא מקור החומר וגוף האותיות טרם התחלקותן לכ"ב, ולכן אמרו רבותינו זקונים-לברכה, ש"עולם הזה נברא בה"י:

Kehot Publication Society (CC-BY-NC)

34 ויעש דוד שם

آیه‌ای که رساله پنجم ایگرتس هاكودش (اگרת הקודש, Iggeres HaKodesh) با آن آغاز می‌شود و آلتز ربه به آن اشاره می‌کند.

II Samuel 8:13 שמואל ב ח':י"ג

ויעש דוד שם בשבו מהכותו את-ארם בגיא-מלח שמונה עשר אלף:

And David got him a name when he returned from smiting the Arameans in the Valley of Salt, even eighteen thousand men.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

16 بند

35 בחכמה יסד ארץ

زمین (فرمانروایی (ملכות, Malchus)) بر حکمت (חכמה, Chochmah) بنیاد نهاده شده است و آسمانها (عواطف) بر فهم (تבונה, Tevunah); آلتز ربه (ادمو"ר הזקן) اکنون توضیح می‌دهد چرا.

Proverbs 3:19 משלי ג':י"ט

ה' בחכמה יסד-ארץ כוֹנֵן שָׁמַיִם בְּתִבְיוֹנָה:

The L-RD by wisdom founded the earth; By understanding He established the heavens

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

يادداشت كهوت

משלי ג, יט.

17 بند

36 אבא יסד ברתא

«پدر (אבא, Abba) دختر را بنیاد نهاد»: حکمت (חכמה, Chochmah)—یعنی «پدر» —مستقیماً فرمانروایی (ملכות, Malchus), یعنی «دختر», را بنیاد می‌نهد. آلتز ربه (ادمو"ר הזקן) از این عبارت استفاده می‌کند تا نشان دهد که فرمانروایی مستقیماً از حکمت سرچشمه می‌گیرد، نه از راه زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus).

Zohar III, 248a זח"ג רמח, א

Tikkunei Zohar, Tikkun 21 • 61b:4-5 תקו"ז תיקון כא

וכד אית בישראל משכילים בחכמה דאיהי י' מחשבה עלאה. ידעין לורקא לה להאי אבנא דאיהי בת יחידה לההוא אתר דאתגזרת בגין דברתא באבא אתעבידת. הה"ד י' בחכמה יסד ארץ. בחכמה דאיהו אבא יסד ברתא דאיהי ארץ הדום רגליו וההוא חוט דילה איהו ו'. דאבנא דאיהי תגא. עשרי על רישיה עטרה דס"ת. ובגינה אתמר ודאשתמש בתגא חלף איהו כתר תורה ודאי. דתלת כתרין אינון כתר תורה וכתר כהונה וכתר מלכות. וכתר תורה (נ"א וכתר שם טוב) על גבייהו.

Constantinople, 1740 (CC-BY-NC)

يادداشت كهوت

זח"ג רמח, א. רבו, ב. רנח, א. ת"ז תי' כא.

37 והחכמה תחיה

«حکمت حیات می‌بخشد»: در اینجا توضیح داده شده که این عبارت به مرتبه دوم حکמה اشاره دارد؛ مرتبه‌ای که در حرف هی (ה, Hei) به آن اشاره شده است.

Ecclesiastes 7:12 קהלת ז':י"ב

כי בצל החכמה בצל חסד ויחיו דעת החכמה תחיה בעליה:

For wisdom is a defence, even as money is a defence; but the excellency of knowledge is, that wisdom preserveth the life of him that hath it.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

38 כתפארת אדם לשבת בית

در ظاهر، اشعيا صنعتگری را توصیف می‌کند که بتی را می‌تراشد: «همچون زیبایی مرد، تا در خانه‌ای سکونت کند». گفتار حسیدی (مامار، maamar) از عبارت «زیبایی و هماهنگی (تفاهت، Tiferes) آدم (آدم، Adam)» بهره می‌گیرد تا نشان دهد که تفاهت «آدم» نامیده می‌شود؛ اینجا مراد نخستین نوع آدم است، نام م"ה (Mah).

Isaiah 44:13 ישעיהו מ"ד:י"ג

חַרֵּשׁ עֲצִים נָטָה קוֹ וַתִּתְּאָרְהוּ בַשֶּׁרֶד יַעֲשֶׂהוּ בַמִּקְצָעוֹת וּבַמַּחֲוֶה וַתִּתְּאָרְהוּ וַיַּעֲשֶׂהוּ כַתְּפָאֶרֶת אָדָם לְשִׁבְתָּ בֵּית:

The carpenter stretcheth out a line; He marketh it out with a pencil; He fitteth it with planes, And he marketh it out with the compasses, And maketh it after the figure of a man, According to the beauty of a man, to dwell in the house

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

ישעيا מ"ד, יג.

بند 18

39 آדה"ר היינו בחי' ח"ע

در آنجا «آدم» دربرگیرنده و پیونددهنده سه خط است (شکل حرف א, Alef)، نام מ"ה (Mah). برای پیوند دادن چنین اضدادی، باید نوری از مرتبه‌ای بالاتر بیاید که در آن، این دو در برابر آن بی‌اعتبارند؛ موجودات زنده مرکبه (حיות המרכבה, chayos haMerkavah) آن نور را به بالا می‌برند تا به پایین فروود آورده شود. این یادداشت برای مرتبه «آدم» به آنجا ارجاع می‌دهد.

یادداشت کھوت

ראה לקמן עג, א. ובאוה"ת פ' בראשית כרך ג תקסז, א ובלקו"ת לג"פ לה, א. בספר הערכים-חב"ד ערך آدم הראשון הערה 10 מצויין שכאן בתו"א משמע שזהו לפני החטא, אמנם ממ"ש באוה"ת ובלקו"ת לג"פ הנ"ל ובד"ה חייב אדם לברך תרל"ח פל"ו בענין אלף שנה, מוכח שהכוונה לאדה"ר אחרי החטא.

40 בחכמה דוקא יסד ארץ

زمین (فرمانروایی (ملכות, Malchus), یعنی قلمرو بی‌جان) با حکمت (חכמה, Chochmah) بنیاد نهاده شده است، حال آنکه آسمان‌ها تنها با فهم و ادراک (תבונה, Tevunah) استوار می‌شوند.

Proverbs 3:19 משלי ג:י"ט

ה' בַּחֲכָמָה יָסַד אֶרֶץ כּוֹנֵן שָׁמַיִם בְּתַבּוּנָה:

The L-RD by wisdom founded the earth; By understanding He established the heavens

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

41 וייצר ה' אלקים

دو نامی که در آیه مربوط به آفرینش انسان آمده‌اند، به‌منزله وسیله‌ای خوانده می‌شوند که حکמה را به ملکوت پیوند می‌دهد.

Genesis 2:7 בראשית ב:ז

וַיִּצְרֶה ה' אֱלֹקִים אֶת־הָאָדָם עֹפֶר מִן־הָאֲדָמָה וַיִּפַּח בְּאַפִּיו נִשְׁמַת חַיִּים וַיְהִי הָאָדָם לְנֶפֶשׁ חַיָּה:

Then the L-RD G-d formed man of the dust of the ground, and breathed into his nostrils the breath of life; and man became a living soul.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

بند 19

42 פני ארי'

چهره‌های چهار موجود زنده (حיות, chayos) در مرکب حزقیال: شیب، گاو و عقاب؛ از این‌رو فرشتگان نیز حיות (chayos) و پرندگان نامیده می‌شوند.

Ezekiel 1:10 יחזקאל א':י

וְדַמוֹת כְּנִיָּהִם כְּפָנֵי אֶדָם וּכְפָנֵי אֲרִיָּה אֶל־הֵמִינִי לְאַרְבַּעַתָּם וּכְפָנֵי־שׁוֹר מִהִשְׁמָאוֹל לְאַרְבַּעַתָּם וּכְפָנֵי־נֶשֶׁר לְאַרְבַּעַתָּם:

As for the likeness of their faces, they had the face of a man; and they four had the face of a lion on the right side; and they four had the face of an ox on the left side; they four had also the face of an eagle

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

יחזקאל א, י.

43 ونشמת آדה"ر כולל כל נש"י

ارجاعات Kehot برای این کلمات (یادداشتش در پایین آمده است).

یادداشت کھوت

שער המצות פ' תצא, שער הגלגולים הק' ו, ז, יב. שער הפסוקים בראשית דרוש ג.

44 ونشמת آדה"ר כולל כל נש"י

آریزال (האר"י) میان ارواحی که هنگام آفریده‌شدن آدم در روح او گنجانده شده بودند («ارواح کهن») و ارواحی که واقعاً تازه‌اند، تمایز می‌گذارد.

Sha'ar HaGilgulim 7:11-12 שער הגלגולים ז:יא-י"ב

... וכד זכה לשנות הכ', יהבין ליה נשמתא, וכדין כתיב עליה כי בן הייתי לאבי וכו'. מדבר במדרגה הראשונה, שהם הנשמות החדשות לגמרי, שמעולם לא נכללו בנשמת אדה"ר: המדרגה השלישית, והם הנשמות שנפלו בקליפות, אחר שחטא אדה"ר, אשר מהם היתה נשמת שת בן אדם וזולתו, אשר אלו נקראים נשמות ישנות בכל הבחי' הנה הם גרועים מכולם, לפי שכיון שנשרו מן אדם, נפרדו לנצוצות ולחלקים רבים מחמת חטאו של אדם, ולכן באותו הפעם שהיו באדם, היו נקראות ישנות מגלגול אחר בלבד, וכאשר תבא איזו נשמה מהם מאז ואילך בפעם א' בגוף ...

Shaar HaGilgulim (Public Domain)

45 ونشמת آדה"ر כולל כל נש"י

آریزال بیان می‌کند که همه ارواح در آغاز در آدم گنجانده شده بودند و هنگامی که او گناه کرد، اعضای پیکرش از او جدا شدند و قامتش کاسته شد.

Sha'ar HaGilgulim 12:2-3 שער הגלגולים י"ב:ב-ג

... ולמשה מהם היה מדרגה אחרת, והם הנשמות שנשתיירו כלולות בו, ולא נשרו ממנו, ואלו נקראים ג"כ חדשות, אבל לא בערך הראשונות הנז"ל. והנה כאשר אלו הנשמות שממדרגה ב', יבאו בגוף בגלגול, אחר שמת אדה"ר ونפרדו ממנו, עדיין אז יקראו חדשות. והטעם הוא, לפי שיצירת האדם הא' היתה בבחי' זווג עליון אחר באחור ולכן עד

حکمت (חכמה, Chochmah) فوقانی می‌خواند؛ حکمت فوقانی بنیاد
«زمین» است.

Psalms 87:1 תהילים פ"ז:א'

לְבִנְיָקְרָח מִזְמוֹר שִׁיר סוּדָתוֹ בְּהַר־יִקְדָּשׁ:

A Psalm of the sons of Korah; a Song. His foundation is in
the holy mountains

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

Shaar HaGilgulim (Public Domain)

بند 20

46 תוצא הארץ נפש חיה

به هر دو مورد بالا و پایین توجه کنید: بالا، پدید آوردن فرشتگان از سوی
فرمانروایی (ملכות, Malchus)؛ و پایین، پدید آوردن حیوانات از سوی
زمین، با بدن و روح در کنار هم.

Genesis 1:24 בראשית א':כ"ד

וַיֹּאמֶר אֱלֹקִים תּוֹצֵא אֶת־אֶרֶץ נֶפֶשׁ חַיָּה לְמִינָהּ בְּהֶמָּה וְרֶמֶשׂ וְחַיֵּת־אֲרָץ
לְמִינָהּ וְיִהְיֶיכֶן:

And G-d said: 'Let the earth bring forth the living creature after
its kind, cattle, and creeping thing, and beast of the earth
.after its kind.' And it was so

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

47 ועוף יעופף

«و بگذار پرندگان پرواز کنند»؛ پرندگان نیز با بدن و روح در کنار هم پدید
آمدند، و فرشتگان «پرندگان» نامیده می‌شوند.

Genesis 1:20 בראשית א':כ'

וַיֹּאמֶר אֱלֹקִים יִשְׂרָצוּ הַמַּיִם שָׂרָץ נֶפֶשׁ חַיָּה וְעוֹף יְעוֹפֵף עַל־הָאָרֶץ עַל־
כָּנִי וְקִיעַ הַשָּׁמַיִם:

And G-d said: 'Let the waters swarm with swarms of living
creatures, and let fowl fly above the earth in the open firmament of
heaven'

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

48 שזהו ענין ההפרש בין זיווג נשיקין

تفاوت میان «پیوند بوسه‌ها» و پیوند جسمانی در آنجا به تفصیل توضیح
داده شده است.

یادداشت کیهوت

בארוכה נתבאר בביאה"ז לכ"ק אדמו"ר האמצעי א, ד. ובביאה"ז לצ"צ כרך
ב ע' תריב. וראה גם בד"ה וביום שמחתכם תרנ"ו ע' רמז.

49 כונן שמים בתבונה

آسمان‌ها (صفات عاطفی) با فهم تفصیلی (תבונה, Tevunah) استوار
می‌شوند؛ فهم تفصیلی در آنها جامه می‌پوشد، همان‌گونه که حیوان در
سطح نباتی.

Proverbs 3:19 משלי ג':י"ט

ה' בְּחָכְמָה יִסְד־אֶרֶץ כּוֹנֵן שָׁמַיִם בְּתַבּוּנָה:

The L-RD by wisdom founded the earth; By understanding
He established the heavens

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

50 יסודתה בהררי קדש

به‌روشنی، پسرانِ قورح (קרח) دربارهٔ صهیون (ציון) می‌سرایند: «بنیادش
در کوه‌های مقدس است.» آلتِ رَبِّه (אדמו"ר הזקן) «کوه‌های مقدس» را



درباره این نسخه

.the notes و our explanations ,the English translation ,This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

.Our explanations, with the overview, the questions and the page for children: CC BY-NC 4.0

The notes: Kehot's marei mekomos ("Sources and References", including the Rebbe's notes) © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted; our notes on them: CC BY-NC 4.0.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA); The Holy Scriptures: A New Translation (JPS 1917) از طریق سفاریا: (Public Domain); Kehot Publication Society (CC-BY-NC); Tikkunei Zohar - Vocalized (Public Domain); Daat Bereshit Rabbah (Public Domain); The Sefaria Midrash Rabbah, 2022 (CC-BY); Constantinople, 1740 (CC-BY-NC); Shaar HaGilgulim (Public Domain).

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانه لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/5

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک